

قاسم امامی

آهنج کار

دوستای آمدی بد شناخت

از شهرستان عشق‌ساق
شهرستان بهشهر

تبرستان

www.tabarestan.info

آهنج کار
دوستای آمدی
بد شناخت



تبرستان

مؤلف این کتاب، قاسم امامی متولد سال ۱۳۵۲ هجری شمسی مطابق با ۱۹۷۳ میلادی شهرستان بهشهر است. وی پس از اخذ مدرک کارشناسی در رشته علوم سیاسی از مشهد مقدس، برای ادامه تحصیل به تهران رفت و در مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی در رشته علوم سیاسی ادامه تحصیل داد و به عنوان دانشجوی ممتاز در این رشته فارغ التحصیل شد.

آثار زیر از وی به چاپ رسیده است

- ۱) عشق در تئوی و عمل: گفتارهایی در روانشناسی عشق ورزیدن
- ۲) مکانبزم حقوقی و نویسی‌ها در رژیم مبادلاتی اسلام (حقوق زن از دیدگاه اسلام)
- ۳) موافع و شند جامعه مسلمانی در دوران سلطنت محمد رضا پهلوی
- ۴) مسائل جهان سوم و رویکردهای توسعه - در دست چاپ
- ۵) چندین مقاله علمی - پژوهشی در سطح ملی و منطقه‌ای

تبرستان

www.tabarestan.info

به نام خداوند جان و خرد

تبرستان

www.tabarestan.info

تبرستان

www.tabarestan.info

درآمدی بر شناخت روستای آهنگردکلا

از شهرستان عشرتاق، شهرستان بهشهر

درآمدی بر شناخت روستای آهنگر کلا

از دهستان عشستاق، شهرستان بهشهر

قاسم امامی



انتشارات شلفین

صفحه‌آرا: سعنه‌السادات خاتمی

طراح جلد: دیانا افضلی

چاپ نخست - ۱۳۸۹ - ۱۰۰۰ نسخه



امامی، قاسم، ۱۳۵۲

درآمدی بر شناخت روستای آهنگر کلا از دهستان عشستاق، شهرستان بهشهر / قاسم امامی.

SARİ: شلفین، ۱۳۸۹. ۱۱۸ صفحه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۰-۹۱-۱

فهرست نویسی بر اساس فیبا

موضوع: آهنگر کلا

DSR ۲۰۷۱ / ه ۸۷ الف ۱۳۸۹

۹۵۵/۲۲۴۲ ۲۰۸۷۲۰۵



تلفن: ۰۱۵۱-۲۲۷۶۹۰۰

مازندران - ساری

Email: shelfin_sari@yahoo.com

www.shelfin.com

دآمدی بر شناخت روستای آهنگر کلا

تبرستان

ازدهستان مشرق، شهرستان بشم

www.tabarestan.info

قاسم امامی

انتدابات شنین

تبرستان

www.tabarestan.info

تدمیر به پدرم که حركت توانست آن طور که شایسته است قدردان بیانیه انسانی باشند باشند.

انسانی که حقیقت زنگنه را شناخت و مردم داری را در رأس امور خود قرار داد.

و به امید شکوفایی دلندم مرسا

تبرستان

www.tabarestan.info

تبرستان

فهرست مطالب

www.tabarestan.info

۱۵ مقدمه
فصل اول: بررسی کلیات و ویژگی‌های معماری روستای آهنگرکلا:	
۲۳ چکیده روستای آهنگرکلا در یک نگاه
۲۷ پیشینه روستای آهنگرکلا
۳۱ خصوصیات کالبدی روستای آهنگرکلا
۳۱ بافت روستا
۳۲ منظر روستا
۳۵ خصوصیات مساکن روستا
۳۶ معابر
۳۹ توپوگرافی
فصل دوم: بررسی ویژگی‌های اقتصادی روستای آهنگرکلا:	
۴۴ الف - کشاورزی

۵۴	ب - دامداری (حَشْمَ داری)
۵۸	ج - صنایع دستی
۵۹	گیاهان دارویی

فصل سوم: بررسی و شناخت منابع طبیعی و محیط زیست منطقه:

۶۸	جاذبه‌های طبیعی و چشم اندازهای دیدنی
۶۸	بیرونی
۶۸	حیاط و حش
۶۸	چشممه‌ها
۷۲	گونه‌های جنگلی آهنگر کلا

فصل چهارم: بررسی آثار تاریخی، تمدنی و هنری:

۷۷	آثار تاریخی
۷۸	حمام خزانه
۷۸	آسیاب آبی
۷۹	مراسم محلی روستای آهنگر کلا

فصل پنجم: شناخت ویژگی‌های قومی، رفتاری و فرهنگی روستای آهنگر کلا:

۸۷	بررسی پیشینه تباری و قومی
۹۲	بررسی جمعیت باسوساد
۹۳	حجت‌الاسلام والملسمین مرحوم آقا شیخ علیجان امامی

شادروان دکتر یحیی امامی پیشگام در مطالعات علم سنجی ایران ۹۵	
۹۸ خصوصیات رفتاری و فرهنگی	
زمینه‌ها و راهکارهای تحول فرهنگی مورد نیاز برای رسیدن به مشارکت	
۱۰۲ کارآمد و تسهیلگرایانه	
۱۰۷ نتیجه‌گیری	
معانی برخی واژه‌های مربوط به موضوع: محلی مازندرانی -فارسی ۱۰۹	
۱۱۵ منابع و مأخذ	

تبرستان

www.tabarestan.info

تبرستان

www.tbarestan.info

همیشه برو بیو مش آباد باد
به کوه اندرش لاله و سنبل است
نه سرد و نه گرم و همیشه بهار
«حکیم ابوالقاسم فردوسی»

که مازندران شهر ما یاد باد
که در بوستانش همیشه گل است
هوا خوش نگار و زمین پرنگار

تبرستان

www.tabarestan.info

مقدمه:

حدود ۶۰ هزار روستا در ایران وجود دارد که هر کدام از آنها دارای ویژگی‌های خاص خود هستند. این روستاهای هر کدام به صورت جزء و با هم‌دیگر به صورت کل در توسعه و آبادانی کشور دخیل هستند. برای ارائه مدلی از توسعه برای روستاهای باید توجه ویژه به نگرش بومی هر منطقه و قابلیت‌های آن داشته باشیم. به عبارت دیگر برای رفع مشکلات، چالش‌ها و مسائل روستاهای باید به صورت کلینیکی یک متخصص از نزدیک با روستا و مسائل آن روبرو شود تا بتواند راه حل بهتری برای بروز رفت از مشکلات آن ارائه نماید. در اینجا شناخت مسائل فرهنگی و خلقيات بسیار حائز اهمیت است. توجه به این نکته باید داشته باشیم که روستاییان خودشان صاحب‌نظر هستند و می‌توانند مشکلاتشان را حل نمایند، ما هم در حد توان بتوانیم به آنان مشاوره دهیم. یک فرآیند یادگیری و یاددهی ایجاد نماییم تا صمیمیت و همدلی ایجاد شود و در کنار این همدلی رسیدن به آبادانی و توسعه هموار گردد.

در این تحقیق، قصد آن داریم که با یکی از روستاهای ایران زمین، به نام آهنگرکلا، از دهستان عشرستاق، بخش یانه‌سر، شهرستان بهشهر در استان مازندران آشنا شویم.

زمینه موضوع، بررسی و شناخت اجمالی روستای آهنگرکلا و معرفی آن به نسل جدیدی که آباء و اجداد آنان در این سرزمین زندگی می‌کردند، اما بنا به عوامل مختلف نسل آنان آهنگرکلا را به مقصد تقطیع مختلف در ایران و جهان ترک کردند و هر از چند گاهی ممکن است برخی از آنان برای دیدار به سرزمین نیاکان خود به صورت خوابگاهی سفری به آنجا داشته باشند.

اهمیت موضوع، در این است که در دنیا معمول است افراد به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه مایل هستند تاریخ و گذشته خود و سرزمین مادری خود را بدانند. افراد می‌خواهند بدانند که گذشته آنان و اقوامشان چطور بوده است و آنان چگونه فکر می‌کردند، چگونه برای بروز رفت از مشکلات خود راه حل ارائه می‌دادند و چگونه زندگی می‌کردند. باید بپذیریم که درک و شناخت ما از جامعه روستایی و خصوصاً روستای مورد مطالعه به دلیل عوامل متعدد بیرونی و درونی (خلقیات ما) موثر بر تغییر و دگرگونی این جامعه و گرایش‌های آنها برای توسعه بسیار اندک و ناچیز است. جامعه‌ای که گوناگونی از ویژگی‌های آشکار آن است و هر منطقه‌ای از آن شرایط بوم شناختی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متمایز دارد. اهمیت کار در این است که گذشته چراغ راه آینده است، از نکات مثبت و دستاوردهای بومی در جهت کمک به شکوفائی و توسعه همه‌جانبه سرزمین خود باید بهره گرفت.

همچنین توجه به روح مکان از موارد دیگری است که اهمیت موضوع را دو چندان می‌نماید. روح مکان احساس هویت مبتنی بر مکانی خاص است و افراد برای اشاره موجودیت خود از آن بهره می‌جویند. به عنوان مثال من بهشهری هستم. احترام به روح مکان در روستا هرچند در روستائیان وجود دارد، اما باید خاطر نشان کرد که می‌تواند ^{لیکن} عنوان ^{www.tabarestan.info} یکی از شاخصه‌های توسعه فرهنگی و کیفی حائز اهمیت باشد.

مسائل مختلفی در مورد روستای آهنگرکلا می‌تواند مطرح باشد و یا در آینده مطرح می‌شود. از آن جمله در مورد روستای مورد نظر مسئله مهم این است که عدم توجه جوانان آهنگرکلا به فرهنگ مدنی و توسعه‌ای و همچنین تغییر و تحول در جنبه‌های مختلف موجب لطمات جبران‌ناپذیری در آینده توسعه این روستا می‌گردد.

با توجه به این مسائل، ضرورت پرداختن به حل مسئله مهم است، معمولاً جوانان این روستا به همان گرایش سنتی پدران خود و فرهنگ قبیله‌ای گرفتار هستند. بنابراین وظیفه فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی این روستا است، که با برنامه‌ریزی و ارشاد به جوانان آهنگرکلا، راه را برای شناساندن مؤلفه‌های مثبت فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن و تلفیق نکات ارزنده و آموزنده آن دو، و در نهایت توسعه فرهنگی در این روستا هموار نمایند.

هدف کلی از این تحقیق، معرفی روستای آهنگرکلا به علاقمندان و گردشگران و روستاشناسان است.

اما اهداف اختصاصی این تحقیق عبارتند از:

۱. معرفی این روستا به نسل امروزی است که پدران و نیاکان آنان در اینجا زندگی می‌کردند و بنا به عوامل مختلف نسل آنان آهنگرکلا را به مقصد نقاط مختلف در ایران و جهان ترک کردند و هر از چند گاهی برای سفر به سرزمین

نیاکان خود برمی‌گردند.

۲. کمک جوانان خصوصاً جوانان فرهیخته حوزه دانشگاهی آهنگرکلایی در تبدیل این روستا به مکانی قابل زیست و زندگانی توأم با آسایش و آرامش و متناسب با کرامت و تعالی انسانی است.

۳. کمک به جوانان این روستا تا دانش بومی و محلی ساکنین را بشناسند و ارج نهند و در تلفیق آن با دانش مدرن، در جهت عمران و آبادانی روستای خود کوشش نمایند.

در این پژوهش بیشتر از روش میدانی و مصاحبه با افراد ریش‌سفید این روستا بهره بردم، دلیل آن هم فقدان منابع مکتوب در مورد روستای مورد مطالعه یا به عبارت بهتر با کمبود این نوع منابع مواجه بودم. در کنار این روش از روش کتابخانه‌ای هم در سطح محدودتر استفاده نمودم.

جا دارد در اینجا از همه عزیزانی که راهنمایی‌های لازم را ارائه نمودند خصوصاً سرکار خانم فریده یوسفی مدیر محترم انتشارات شلفین که زحمت انتشار این کتاب را برعهده گرفتند و از حجت‌الاسلام و المسلمين حاج آقا عقیل نوری فر که علاوه بر راهنمایی، در عمران و آبادانی روستای آهنگرکلا گام‌های مؤثری برداشت، تقدیر و تشکر نمایم.

این تحقیق شامل پنج فصل، بررسی ویژگی های معماری روستای آهنگر کلا، بررسی ویژگی های اقتصادی این روستا، منابع طبیعی و محیطزیست، بررسی آثار تاریخی، تمدنی و هنری، و شناخت ویژگی های قومی و فرهنگی روستای آهنگر کلا است. امید است که همکاران با خواندن این نوشه و اعلام نظر

نقادانه، اینجانب را در تکمیل این کار کمک نمایند.

تبرستان
www.tabarestan.info

قاسم امامی

تابستان ۱۳۸۹

پارک علمی - تحقیقاتی و فن آوری دانشگاه شهید بهشتی

تبرستان

www.tabarestan.info

فصل اول: بررسی کلیات و ویژگی‌های معماری روستای آهنگر کلا

چکیده روستای آهنگر کلا در یک نگاه

پیشینه روستای آهنگر کلا

خصوصیات کالبدی روستای آهنگر کلا

بافت روستا

منظر روستا

خصوصیات مساکن روستا

معابر

توبوگرافی

تبرستان

www.tabarestan.info

بررسی کلیات و ویژگی‌های معماری روستای آهنگرکلا

در فصل اول ضمن معرفی مختصر از روستای آهنگرکلا، مسح‌گردانی کوتاه در مورد معماری آن روستا داریم، تا خواننده دیدی واقعی‌تر از روستای مورد مطالعه پیدا نماید. ابتدا به صورت کوتاه به معرفی روستای آهنگرکلا و سپس به معماری روستا می‌پردازیم.

چکیده روستای آهنگرکلا در یک نگاه

روستایی با نام آهنگرکلا، در مازندران فراوان وجود دارد. در شهرستان‌های آمل، بابل، قائمشهر، سوادکوه روبروی روستای چالی در شیرگاه، جویبار، نمک آبرود و ... روستایی با نام آهنگرکلا وجود دارد. اماً روستای آهنگرکلای مورد مطالعه ما، از توابع دهستان عشرستاق، بخش یانه‌سر، شهرستان بهشهر، استان مازندران، می‌باشد. دهستان عشرستاق شامل ۱۰ روستا به نام‌های: سابق محله، کاردمحله، لمرد، برما، جربند و جوربند، یارسم، آهنگرکلا،

لوjunction عرضه، و ولو می باشد. روستای آهنگرکلا در منطقه بیلاقی هزارجریب بهشهر و در ارتفاعات رشته کوه البرز واقع شده است و تقریباً سرسبز و کنار جاده اصلی دهستان عشرتاق و راه ارتباط روستای لو junction از آن می گذرد. این روستا دارای آب و هوای معتدل و کوهستانی با زمستانهای سرد و ابرهای متراکم و زیبا، که هر زمان ظاهر شود دل هر پینده صاحب ذوق را شاد و روح و روان انسان را آرامش و جلا می دهد. روستای آهنگرکلا در فاصله ۶۰ کیلومتر جنوب شهرستان بهشهر در دل کوههای البرز واقع شده است. آهنگرکلا از شمال به روستاهای یارسم و سورک و از جنوب به روستای لو junction و از غرب به روستای ولو و از شرق به زمینهای کشاورزی روبار و روستاهای جربند و جوربند متصل و محدود است. راههای ارتباطی دسترسی به آهنگرکلا سه راه است که جاده نکا و لائی از غرب، جاده پاسند به آهنگرکلا از سمت شمال که نزدیکترین و مناسب‌ترین راه دسترسی است و راه سوم راه گلوگاه به بیشه بنه و عشرتاق است که در سمت شرق واقع شده و طولانی‌ترین راه دسترسی به این روستا می باشد.

معیشت و اقتصاد اغلب مردم روستا، کشاورزی و دامداری و به مقدار محدود با غذاری و زنبورداری در حد مصرف خود دارند. تعداد خانوار روستای آهنگرکلا، حدود ۱۰۰ خانوار است.

این روستا شامل دو بافت قدیم و جدید و به صورت خطی است. روستا از سه بخش مجزای یورو، مرکزی و محله نوساز پشت خانه تشکیل گردیده است و دارای خدمات اولیه آب، برق، تلفن، جاده خاکی نامناسب، یک حمام عمومی،

یک مسجد و یک مدرسه و دو پل هوایی بر روی رودخانه کال دره که یکی راه ارتباطی روستای لوچنده و دیگری پل ارتباطی بین مزارع روستای آهنگرکلا و روستای لوچنده می‌باشد. این روستا همچنین دارای یک قبرستان مشترک با روستاهای لوچنده و یارسم می‌باشد که در محل لوچنده واقع شده است.

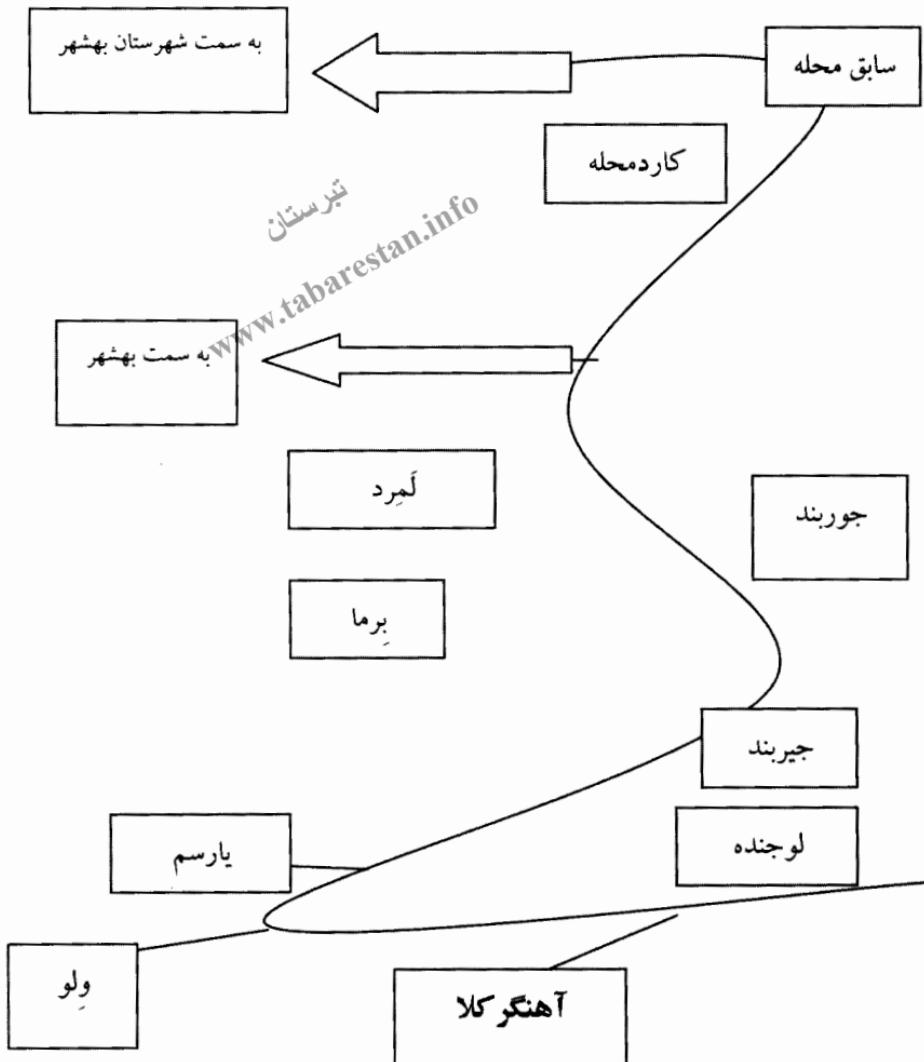
شهرستان	شهرهای تابعه	بخش‌های تابعه
بهشهر	بهشهر - گلوگاه - رستم کلا	مرکزی - گلوگاه اهبانه سر (دهستان) عشرستاق روستای آهنگرکلا

جدول مربوط به شهرستان بهشهر به تفکیک اسامی شهرها و بخش‌های تابعه
برگرفته از کتاب جغرافیای استان مازندران، ص ۱۷



عکس شماره ۱ مربوط به روستای آهنگرکلا

نقشه شماره ۱ مربوط به دهستان عشستاق



بررسی پیشینه روستای آهنگرکلا:

برای بررسی و شناخت روستای آهنگرکلا به عنوان یک ده کوچک در دهستان عشرستاق، بخش یانه‌سر، شهرستان بهشهر، واقع در استان مازندران، بهتر است نگاهی هم به کشور پهناور ایران بیندازیم. چون روستای آهنگرکلا قطره بسیار بسیار کوچک در دل اقیانوس ^{بینهای} بزرگ ^{یعنی} ایران زمین قرار دارد. ایران سرزمین آریاها نامیده شده است.

سرزمین اصلی آریایی‌های ایرانی در اوستا، ایرانویچ نام دارد، ایرانویچ یا بهشت متروک ایرانیان، مملکتی خوش آب و هوا بود که ناگهان برف و سرمای شدید آن را فرا گرفت و روحی خبیث بر آن استیلا یافت و سبب شد

که آریاها به ناچار مهاجرت کنند. آریایی‌ها به چند دسته تقسیم شدند.

آریایی‌های ایرانی بعد از قرن ۱۴ ق. م که از برادران هندی خود جدا شده بودند به سرزمینی مهاجرت کردند که امروز ایران نامیده می‌شود. این مهاجرت به یکباره نبود ۵ تا ۶ قرن طول کشید. آریایی‌ها در ضمن مهاجرت و مسکن گزینی با مردم بومی این سرزمین تلفیق و مجموعاً ملتی ایجاد شد که به زبان آریایی سخن می‌گفت، این زبان تکامل یافت و هنوز هم در ایران رایج است. این ملت نخستین حکومت متشکل و جامع را در دنیا بوجود آورد. و نخستین کسانی که میان آنها پدیدار شدند، حکومت جهانی را تشکیل دادند. اینان به یاد بهشت ترک شده خود یعنی ایرانویچ، سرزمین خود را ایران نامیدند. ساکنان قبلی این سرزمین ابتدا در غارها زندگی کرده و بعداً تمدنی پراکنده و شهرنشینی داشتند. فرهنگ و تمدن خود را به آریاییان انتقال دادند

که با فرهنگ خاص آریایی آمیخته شد و تکامل یافت و موجب دوام استقلال ایران است.

قابل ذکر است که آریایی‌ها زمانی که به دروازه خزر رسیدند دو شعبه شدند. یکی شمال و شمال غربی تسلط یافتند که اولین دولت آریایی یعنی ماد را تشکیل دادند. شعبه دیگر به سوی جنوب رفته پارس و اطراف آن را گرفته و دولت ابتدایی پارس را تشکیل و سرانجام جای ماد را گرفت و دولت هخامنشی ایجاد شد.

گروهی هم از آریایی‌ها که پاریان باشند در قسمتهای ایران شرقی و کناره‌های جنوب دریای خزر باقی ماندند. (۱، ص ۸۷-۸۸)

قابل ذکر است که دولتی که بعد از مادها بر سر کار آمد هخامنشیان بود به رهبری کوروش، که پدر بزرگ خود یعنی استاتیک یا استیاگوس آخرین پادشاه ماد بود را شکست و سلسله هخامنشی را بنا می‌کند. (۲، ص ۴۵-۴۶) کوروش حدود ۵۵۰ ق.م در ایران حکومت کرد ایران در صحنه جهانی نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. او پسر کمبوجیه است. (۳، ص) کوروش فرزندانی دارد به نام کمبوجیه و برديا.

با نگاهی گذرا به این تاریخچه نقل شده، متوجه اهمیت خزر و کرانه‌های خزری و مازندران در طول تاریخ ایران می‌شویم. شاهد مدعای زندگی غارنشینی در مازندران غارهای متعددی است که هنوز مشهود است. از جمله غار هوتوی بهشهر که مبدأ آن روستای تروجن (شهیدآباد) بهشهر و مقصد آن شنیدم تا روستای ییلاقی کنیت می‌باشد.

قدمت تاریخی مازندران به چند هزار سال می‌رسد. شاید بتوان گفت که مناطق ییلاقی آن به دلایل مختلف از جمله صعب‌العبور بودن و انزوای ارتباطی با نقاط دیگر، از نقاط بکری است که هنوز مردمان آن فرهنگ گذشته خود (چند هزار ساله) را بطور نسبی حفظ نمودند. نمود یکی از سنن فعلی که می‌توان گفت ریشه در دوران باستان دارد ازدواج فامیلی است. یکی دیگر از سنت‌ها، خداپرستی است که ایرانیان باستان مبتکر یکتاپرستی در جهان بوده‌اند.

با مشخص شدن اهمیت مازندران و تاریخ آن در ایران حال به بررسی و مطالعه روستای آهنگر کلا، که یکی از دهات این استان در بخش یانهسر است، می‌پردازیم.

ابتدا واژه‌هایی که هم‌معنا و متراff و واژه روستا بکار می‌رود را به طور اجمالی واکاوی می‌نماییم. واژه روستا همه‌جا به معنی زمین مزروع و مسکونی خارج از شهر آمده، و جای معینی نسبت به ده داشته، که امروزه هم بسیار با معنای علمی مورد اراده‌ی روستاشناسی قرین است. (۴، ص ۲) اصطلاح دهات، رسداق یا رستاق، بلوک، منظومه، سواد و منطقه واژه‌هایی هستند که هم‌معنا با روستا هستند. تعریف و دانستن روستا به معنای منظومه، منطقه، سواد، بلوک و نیز قائل بودن نقش مشخص از نظر اقتصادی و اجتماعی برای آن، همواره مشخص‌کننده جایی بوده است که در طول زمان همانند شهر دارای نقش‌های مشخص، توان بالقوه، جمعیتی زیاد و گستره‌ای متناسب بوده است و آن توان و نقش، اهمیت درخور برنامه‌ریزی به آن می‌داده است. اصطلاح بلوک از

دوره صفویه به این سو به معنی روستا بکار برده شده است. (همان، ص ۳ و ۴) قابل ذکر است که مردم منطقه در حدود ۴۰ یا ۵۰ سال پیش اصطلاح سربلوک را بکار می‌بردند و برای خود سربلوک داشتند.

در مورد پیشینه روستا، باید قبول کرد که نمی‌توان با استناد به شواهد تاریخی، جایگاه دقیق دهات اولیه ایران را معین کرد^۱. اما حداقل می‌توان از شکل اولین دهکده‌های ایران، دریافت که قدمت آنها به ۹۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد. (همان، ص ۲۰) قدمت تاریخی شهرستان بهشهر (اشرف‌البلاد) با توجه به کنده‌کاری‌های باستان‌شناسان در عباس‌آباد بهشهر و گوهر تپه رستمکلا به چند هزار سال می‌رسد. با توجه به این سابقه طولانی شهرستان بهشهر، متأسفانه از پیشینه دقیق روستای آهنگرکلا (دهستان عشستاق، بخش یانه‌سر، شهرستان بهشهر، استان مازندران) اطلاعات مکتوب و تاریخی متقن، موجود نیست، یا بهتر است بگوییم لااقل بنده شخصاً در طول مطالعه خود با آن مواجه نشده‌ام. افراد ریش‌سفید اهل این روستا متفق القولند که از حدود ۷ یا ۸ نسل پیش از منطقه نور و کجور مازندران به این نقطه کوچ کردند و این افراد هم شغل دامداری داشتند. اهالی محل از علت کوچ آنان به این مکان، مطلع نیستند. اهالی محل معتقدند که قبل از ورود افراد فوق الذکر، انسان‌هایی در اینجا زندگی می‌کردند و منبع معتبر برای گفته‌های خود را اطلاعات نوشته بر روی سنگ نوشته‌های روی قبرهای روستا، ذکر می‌کنند، که این نوشته‌ها هم به صورت خط عربی و کوفی می‌باشد.

خصوصیات کالبدی روستای آهنگر کلا:

با معرفی و آشنایی مختصر از روستای آهنگر کلا، حال به بررسی ویژگی‌های معماری این روستا می‌پردازیم.

بافت روستا: بافت عمومی سکونتگاه‌های روستایی بیانگر شکل، فرم و الگوی حاصل از تاثیرگذاری عوامل گوناگول ذی عرصه روستا و نحوه ارتباط و کنش متقابل این عناصر و ویژگی‌هاست. همچنین بافت کالبدی این سکونتگاه‌ها نمایانگر نحوه نظم‌پذیری خانه‌ها و استقرار اراضی زراعی و نیز چگونگی قرار گرفتن راه‌ها و میادین (شبکه معابر) در کنار یکدیگر است.

بنابراین، اجزای بافت سکونتگاه روستایی به تفکیک عبارتند از:
الف) خانه‌ها؛

ب) مزارع، باغ‌ها و مراتع؛

ج) مکان‌های عمومی و میادین؛

د) شبکه معابر به عنوان شریان ارتباطی مجموعه سکونتگاهی (۵، ص ۵۲). روستای آهنگر کلا دارای بافت تقریباً خطی است. الگوی سکونتگاه‌های خطی غالباً تابع خطوط طبیعی مانند دره‌ها، مسیر رودخانه‌ها یا حاشیه تراس‌هاست و نمونه‌های آن به ویژه در مناطق خشک و کوهستانی، از جمله ایران به نحوی بارز قابل مشاهده است (همان منبع، ص ۵۸-۵۹) بافت روستای آهنگر کلا متأثر از ساختار زمین‌شناسی جهت‌گیری غرب به شرق (پایین) دارد. شبک عمومی روستا از غرب به شرق است و توسعه روستا به سمت جاده اصلی که از شمال به جنوب کشیده شده است (قسمت پشت

خانه)، می‌باشد. این روستا از سه بخش مشخص و متصل به هم، مرکزی، پشت خانه و یورو تشكیل گردیده است. تراکم بافت این روستا در قسمت مرکزی است. دارای دو بافت قدیم (با ساختمان‌های ساخته شده با مصالح چوب و سنگ و کاه و گل و با سقف سفالی و سقف کنف یا به گویش محلی مازندرانی کنف به سر) که همان منطقه مرکزی و یورو (قسمت جنوب و مرکز روستا)، و بافت جدید، که در قسمت شمالی روستا معروف به پشت خانه است، می‌باشد. در پشت خانه حدود ۴ خانه با مصالح جدید و مقاوم (سنگ و سیمان و آهن) ساخته شده است.

منظور روستا:

چشم‌انداز یکی از مفاهیم اصلی در بحث‌های جغرافیایی، به ویژه جغرافیای روستایی است. در زمینه مفهوم دامنه و اهمیت چشم‌انداز جغرافیایی، اختلاف نظرهایی بعضی اساسی ملاحظه می‌شود. از جمله چشم‌انداز طبیعی و چشم‌انداز فرهنگی (انسانی) و گاهی نوع سومی از چشم‌انداز جغرافیایی تحت عنوان چشم‌انداز ابتدایی یا چشم‌انداز بکر. (همان منبع، ص ۹ و ۱۰) ما در این نوشه تعبیر عمومی از چشم‌انداز «بخشی از سطح زمین» را مورد نظر داریم در این تعبیر چشم‌انداز سیمای ظاهری یک منطقه یا ناحیه به شمار می‌رود و عبارت است از «منظور و نمای خارجی یک مکان» با این فرض که ویژگی‌های ریخت‌شناسی و طبیعی آن مکان همگون و منسجم است. (همان منبع، ص ۹)

به طور کلی ارتباط با طبیعت و وابستگی به آن از ویژگی‌های بارز زندگی روستایی می‌باشد. همان‌طور که از تعریف روستا برآمده، ویژگی روستا وابستگی به زمین و معیشت کشاورزی است و این ارتباط با طبیعت علاوه بر اقتصاد، در دیگر جوانب زندگی روستایی ظهور می‌کند، از جمله فرهنگ و زندگی اجتماعی، کالبد روستا و معماری ^{بخارا} مومی آن، ^{بخارا} مهترین ویژگی سیما و منظر روستا ارتباط زیاد آن با طبیعت نسبت به سیمای شهری است که بیشتر متأثر از فعالیت‌های انسانی و کارکرد فضاهاست. سیمای روستا به دلیل ارتباط زیاد و وابستگی زندگی روستایی با طبیعت و محیط طبیعی پیرامون روستا با آن کاملاً هماهنگ و متناسب می‌باشد و آنچه که در اغلب مناظر روستایی که بصورت پلکانی در دامنه پرشیب کوهستانی استقرار یافته‌اند (ایران)، روستاهایی که در دل کوه شده‌اند (میمنه و کندوان)، روستاهایی که در قلب کویر واقع شده‌اند و به صورت گندی و به رنگ خاک کویر می‌باشند، روستاهایی که در مناطق جنگلی بوجود آمده‌اند و بناها در میان انبوه درختان جنگلی محصور شده و از جنس چوب محل ساخته شده‌اند و نمونه‌های دیگر، همگی نمونه‌هایی از هماهنگی و انطباق سیمای روستا با طبیعت اطراف است و به عبارتی تأثیرپذیری سیمای روستایی از ویژگی‌های طبیعی و شرایط اقلیمی مانند شکل ناهمواری‌ها، پوشش گیاهی، آب و هوا و ... را نشان می‌دهند. (۶، ص ۱۸) سیمای روستای آهنگر کلا هم به طبع از طبیعت، اقلیم منطقه و پوشش گیاهی تأثیر پذیرفته است. این روستا تقریباً در داخل یک چاله بنا شده که در اطراف آن زمین‌های کشاورزی قرا دارد. دو

رودخانه، یکی از قسمت جنوب غرب که قسمت یورو و مرکز آهنگر کلا را جدا می‌سازد، قرار دارد. دیگر رودخانه (دره‌ی کال دره) است که از قسمت زیرین روستا که همان قسمت جنوب و شرق است، می‌گذرد. داخل محل درختان گردو و ساختمان‌ها با سقف حلب و سفال و حیاط‌های بزرگ با حفاظ پرچینی دور آن و خانه‌های خشت و گلی ^{روستا}(کاه و گل، لارده‌ای یا زگالی) چشم بیننده را خیره می‌گرداند.



عکس شماره ۲ مربوط به منظر روستای آهنگر کلا

خصوصیات مساکن روستا:

اگرچه نیاز اولیه انسان، تامین مواد غذایی است، اما نیاز به یافتن سرپناه، محافظت در برابر عناصر خشن و نامساعد محیط پیرامون، گرما و سرمای شدید، محافظت در برابر جانوران وحشی و حشرات و شاید از همه مهمتر، در مقابل اعمال دشمنانه هم نوعان نیز نیازی بنیادی است. از سوی دیگر، نحوه‌ی ساخت خانه‌ها، وسعت و فضای آنها، عامل دفاع، نوع معیشت، ارتباطات و دامنه روابط و مصالح به کار رفته به خانه‌ها چهره خاصی می‌بخشد. از طریق بررسی ویژگی‌های خانه‌های روستایی می‌توان به روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و همچنین به ارزش‌های فرهنگی و سنت و آداب در زمانِ برپایی آنها و نیز چگونگی توسعه و گسترش روستاهای پی بردا. بنابراین نحوه ساخت خانه‌های روستایی تا حد زیادی به طبقه‌بندی روستاهای بر اساس گروه‌های اجتماعی و تعیین قدمت و تاریخ تکوین آنها کمک می‌کند. این خانه‌ها برای سکنه خود فضای لازم را برای کار و زندگی، انبار کالا و آذوقه، نگهداری دام، ارتباط و تبادل نظر، اجرای مراسم مذهبی و غیره مهیا می‌سازد. (سعیدی همان منبع، ص ۷۵)

حياط‌های بزرگ با حفاظ پرچینی دور آن و خانه‌های خشت و گلی (کاه و گل، لاردهای یا زگالی)، برخی با قدمت ۱۰۰ سال با سقف حلبي و سفالی اغلب همکف و طویله‌های کنار خانه برای نگهداری دام و طیور، و گاهی هم خانه‌ها با پلان دوطبقه که در طبقه بالا انسان‌ها زندگی می‌کنند و در قسمت همکف، طویله حیوانات آنان از جمله اسب، گاو، گوسفند و بز است، از

ویژگی‌های بارز این روستا است. قابل ذکر است خانه‌های تازه‌ساز یا نوساز قسمت پشت خانه به حالت مصالح جدید و سقف ایرانیت و معمولاً دو طبقه تغییر شکل داده است و به نظر می‌رسد در آینده نزدیک تراکم محل زندگی به این سمت گسترش بیشتر پیدا کند. قابل ذکر است بنا به چند دلیل از جمله، وارد نشدن باد و باران قسمت شمال و شرق در روزهای سرد سال به داخل خانه‌ها و نورگیری بالا از سمت جنوب، همچنان روتای آهنگرکلا، به سمت قبله ساخته شده و می‌شود.

معابر:

بطور کلی روستائیان هم با محیط‌های اجتماعی و فرهنگی خصوصاً با همسایگان خود و هم با محیط طبیعی پیرامون روستا در ارتباط هستند. به عبارت دیگر ارتباطات اساس توسعه یافته‌گی تلقی می‌گردد. راه‌ها و معابر یکی از شاخص‌های اساسی ارتباطات و همچنین یکی از اجزای مهم در کالبد هر روستا تلقی می‌گردد. امروزه برای سهولت رفت و آمد انسانها، وسائل نقلیه و چارپایان، سعی می‌شود که معابر را در روستاهای وسیع و مطابق استاندارد روز دنیا، درست نمایند. از قدیم الایام معابر روستای آهنگرکلا تنگ و پیچ در پیچ بوده و به نوعی حفاظ معابر با زمینهای کنار معابر پرچین(چپر) بوده است. صاحبان زمین پس از دو یا سه سال که پرچین‌ها خراب می‌شد، دوباره آن را بازسازی می‌کردند. معمولاً در بازسازی دوباره بجای اینکه معابر را وسیع‌تر نمایند، به قسمتی از معابر تجاوز و معابر را باریکتر می‌نمودند.

متاسفانه این رسم غلط هنوز در این روستا ادامه دارد، به طوری که معابر تنگ و باریک موجب آن شده که وسیله نقلیه نتواند به راحتی تردد کند. قابل ذکر است که بندرت و شاید به اندازه انگشتان دست افرادی در این روستا هستند که با گذشت و ایثار خود در طی دو یا سه سال اخیر برای عمران و آبادانی محل، قسمتی از زمین‌های خود را برای گسترش معابر ^{و مسافت} و ساخت اماکنی مثل مدرسه اهداء نمودند. امید آن است که نسل جدید در این رویه تغییر ایجاد نماید و برای آبادانی روستای خود، گذشت را سرلوحه کار خود نهد و قسمتی از زمین‌های خود را برای گسترش معابر هدیه نماید.



عکس شماره ۳ مربوط به معابر روستای آهنگر کلا

تبرستان
www.tabarestan.info

توپوگرافی:

براساس ویژگی‌های خاص طبیعی(توپوگرافی)، روستای آهنگرکلا یکی از مناطق ناهموار در منطقه هزارجریب و در ناحیه‌ای کوهستانی و در میان رشته کوه‌های البرز مرکزی واقع شده است. این روستا تقریباً نسبت به روستاهای همچوار خود در دهستان عشرستاق در یک منطقه پستون و کم ارتفاع یا به عبارتی در قسمت زیرین و پایین‌ترین نقطه شیب زمینهای آهنگرکلا در بخش ولوتپه (قسمت غرب) از غرب به مرکز قرار دارد. بعارتی می‌توان گفت در دهستان عشروستاق روستای آهنگرکلا و محل مسکونی آن در قسمت زیرین این منطقه واقع گردید.

تبرستان

www.tabarestan.info

فصل دوم: بررسی ویژگی‌های اقتصادی روستای آهنگر کلا

الف - کشاورزی

ب - دامداری (حشم داری)

ج - صنایع دستی

گیاهان دارویی

تبرستان

www.tabarestan.info

بررسی ویژگی‌های اقتصادی روستای آهنگرکلا:

روستاهای دارای کارکردهای متعددی هستند، کارکرد اقتصادی یکی از مهمترین کارکردهای شناخته شده در روستاهای است. بطور کلی در بحث اقتصاد روستایی، عوامل معيشی روستاهای مسئله مهمی است که باید به آن توجه داشت. مهمترین عوامل معيشی روستاهای عبارتند از: زراعت، بازداری، دامداری و دامپروریهای کوچک و بزرگ، صنایع روستایی، جنگل و علفزار و معادن و....، عمله فعالیت جامعه روستایی در گذشته، فعالیت کشاورزی (زراعت، بازداری، دامداری، و صنایع دستی) بوده است.^(۴، ص ۴۰ تا ۴۳) متأسفانه امروزه برخی از روستاهای از حالت تولیدی گری خارج، و به سمت روستاهای خوابگاهی در حال تغییر مسیر است. جا دارد در این زمینه چاره اندیشی گردد. ما در بخش اقتصادی روستای مورد مطالعه به طور اختصار به سه شغل مهم که معيشت اکثر مردم این روستا از این شغل‌ها تأمین می‌گردد، اشاره گذرا می‌نماییم. مردم از طریق کار و تلاش در این سه شغل (دامداری یا

حشمت داری، کشاورزی شامل زراعت و باغداری و بندرت صنایع دستی) امورات اقتصادی خود را می‌گذرانند و بصورت بخور و نمیر زندگی می‌کنند. قابل ذکر است که در گذشته دور (دو تا چهار دهه پیش، بین مناطق بالادستی از جمله دامغان و منطقه عشروستاق روابط اقتصادی - تجاری به صورت معاملات کالا به کالا و خصوصی و بازاری برقرار شده است. امروزه این روابط بنا به دلایل مختلف که خارج از مجال بحث است، از بین رفته و یا کمنگ شده است.

الف - کشاورزی:

بررسی ساختار اقتصادی روستاهای به دلیل تنوع مکانی روستاهای بسیار پیچیده است. نباید با نگاه سطحی آن را ساده دانست. در شناخت جنبه‌های اقتصادی روستاهای مختلفی بررسی می‌شود از جمله این مقولات حقوق مالکیت و بهره‌برداری از منابع، جایگاه و نحوه عملکرد نیروی انسانی، انواع فعالیتها و همچنین وسعت و اندازه زمین‌های زراعی و به طور کلی نظام تولید زراعی - روستایی مورد توجه و تأکید است. (سعیدی همان منع، ص ۱۰۸) ما در این نوشته صرفاً به ذکر مالکیت و تصرف بسته خواهیم نمود.

اشکال تصرف منابع در ایران متفاوت است. اشکال تصرف منابع آب و خاک در بزرگ مقیاس، به صورت‌های مختلف اقطاع، سیورغال و تیول نوعی زمینداری بزرگ بوده است که حق بهره برداری از مزارع، آبادیها و حتی نواحی را به افراد و خانواده‌ها می‌داده است.

از اشکال مختلف تصرف، «اجاره کاری»، «تصرف جمیعی یا گروهی» و «مالکیت فردی و خصوصی» می‌توان نام برد.

در مالکیت جمیعی، اگرچه خانوار روستایی (عضو جماعت) حق بهره‌برداری از منابع آب و خاک را دارد، لیکن این حق صرفاً در ارتباط با کار جمیعی مفهوم پیدا می‌کند. این نوع مالکیت یکی از قلچیری‌ترین اشکال مالکیت و بهره‌برداری روستایی است که نه تنها در اجتماعهای روستایی و در میان کوچندگان کشورهای جنوب، بلکه در پاره‌ای نواحی کشورهای صنعتی نیز تا به امروز پایدار مانده است. در مالکیت و تصرف جمیعی، اراضی به صورت دوره‌ای میان روستاییان (معمولًاً خانوارهای عضو جماعت یا خانوارهای دارای حق نسق) تقسیم می‌شود. نظام میر در روسیه، مالکیت مراتع و جنگلها در اروپای مرکزی و اشکال جمیعی بهره‌برداری در کشورهای خاورمیانه از جمله ایران (در قالب مشاع) نمونه‌هایی از این نوع مالکیت در گذشته است. امروزه با گسترش نظام سرمایه‌داری و تحولات انجام یافته در بسیاری از کشورها، از جمله در کشورهای جنوب، این شکل از مالکیت جای خود را به مالکیت فردی و خصوصی داده است. (سعیدی، همان منبع، ص ۱۱۰-۱۰۸)

مالکیت و تصرف در روستای آهنگر کلا هنوز به شکل قدیمی (در قالب مشاع)، است. جا دارد که اهالی محل با همدى و همفکری و گذشت و بخشش از این نوع مالکیت گذر نمایند و به مالکیت فردی و خصوصی که دارای مزایای فراوانی است، تن در دهند.

اقتصاد و معیشت غالب این روستا کشاورزی است. به علت در اختیار داشتن زمین‌های مرغوب در ۴ سمت روستا و همچنین داشتن زمین در روستاهای هم‌جوار از جمله لوچنده و ولو(که به عبارتی با این روستاهای هم مرز و یا به تعبیر محلی هم سامون است) و داشتن استعداد طبیعی مانند شرایط آب و هوایی معتدل، بارندگی و رطوبت و خاک مناسب^{روستا} مستعد کشاورزی است. به عبارت دیگر اراضی زراعی در روستای آهنگر کلا^{به صورت پراکنده و متکثرا} در اطراف روستا و حتی در داخل برخی از روستاهای مجاور تداوم دارد(علت پراکنده‌گی مزارع در روستاهای هم‌جوار زمین‌های به ارث رسیده از ولو، لوچنده و جربند و جوربند می‌باشد). قابل ذکر است که این پراکنده‌گی مزارع در گذشته به آن‌ها فرصت لازم را می‌داد که از برخی از زمین‌ها استفاده نمایند و برخی را آیش بگذارند، تا در یکی یا دو سال آینده استفاده نمایند. در قسمتی از این نوشته به آیش اشاره خواهم کرد.

مزارع و مراتع موجود در آهنگر کلا در قسمت غرب و جنوب غرب عبارتند از: اینکلديمه، گوسيرا، چالي، توسكايي، ولوتپه، انجيل بن، ماشيم، نرگيس نو، بادوچال، هلي کلا، جرجري و چالي و در قسمت شمال غربي گت کاري و خوردکاري، پشتلکاش، کورچشه و کنفجار و در قسمت شرقی چراغ سر، بيمدون، روبار (ميان راه، قال قالی، سينگرديله و تilar مله) و لوچنده مزرعه، مخصوصاً اوچابن و جرس می‌باشد.

بطور کلی مردم آهنگرکلا در زمینه گندم و جو(غلات) خودکفا هستند. غلات بطور مستقیم و غیر مستقیم بیشترین اهمیت را در تغذیه انسان دارند و در بین آنها گندم مهمترین نقش را ایفا می‌کند. دانه گندم به لحاظ داشتن گلوتن که بخش چسبنده پروتئین‌های سخت آندوسپرم است و موجب کشسانی یا انبساط خمیر می‌شود، بعنوان اولین غله و مهمترین گیاه زراعی دنیا شناخته می‌شود و بطور وسیع در الگوی غذایی ۷۵ درصد از جمعیت جهان قرار دارد. (۳۴۷، ص. ۷).

کشت در روستای آهنگرکلا بصورت دیم است و کشت گندم و جو کشت غالب و بعنوان محصولات تجاری این روستا محسوب می‌شوند. و در کنار آن، کشت لوبيا سفید، آفتابگردان، دانه‌های روغنی، سیب زمینی، سیر، پیاز، کدو و سبزیجات معمولاً در مصارف خانگی معمول است.



عکس شماره ۴ مزرعه اینکلادیمه



تبرستان
www.tabarestan.info

عکس شماره ۵، مزرعه اینکلدمه



تبرستان
www.tabarestan.info

عکس شماره ۵ مزرعه کاری

تبرستان

www.tabarestan.info



عکس شماره ۶. مزرعه ولوتپه

تعداد انگشت شماری از مردم آهنگر کلا، طی دو یا سه سال گذشته به سمت کشت جدیدی بنام گل گاو زبان روی آوردن. مردم هدف شان از کشت گل گاو زبان، صادرات برای تولید درآمد اقتصادی بالاتر است. (بیشتر محصول تجاری). در کنار تجارت گل گاو زبان، مصارف خانگی خود را هم تامین می نمایند.

تبرستان
www.tabarestan.info

باغداری و زنبورداری:

می توان گفت تقریباً در صد بسیار پایینی از مردم این روستا، به این امور می پردازند و صرفاً در حد مصرفی خودشان است. باغداری یکی از کارهای زیر مجموعه کشاورزی محسوب می گردد. مردم روستا به صورت جزئی و در حد مصارف خود باغداری می نمایند که در باغداری نقش درخت به و درخت گردو و درختان خرمالوی وحشی و گوجه سبز ترش وحشی و از گیل جنگلی در این روستا پر رنگ تر است. علت پررنگ تر بودن این محصولات بخاطر به دست آوردن محصولات جانبی از قبیل آنان است. دوشاب خرمالو و ترشی سیب، ترشی گوجه سبز و ترشی از گیل وحشی محصولات جانبی است که خانواده ها علاوه بر مصارف سالیانه خود با فروش قسمتی از آن مایحتاج خود را تهیه می نمایند.

گردو و فواید آن:

گردو را به نام «غذای مغز» نیز می‌شناسند و این فقط به خاطر شباهت آن به مغز نیست، بلکه به خاطر وجود امگا ۳ فراوان است. برای درست عمل کردن مغز، به امگا ۳ نیاز داریم. مصرف ۴ عدد مغز گردو در روز موجب افزایش اسید ضروری امگا ۳ می‌شود. پانزده درصد از چربی‌های گردو از نوع چربی‌های غیر اشباع و مفید برای سلامت قلب می‌باشد. این نوع چربی، پایین آورنده کلسترول بد و افزایش دهنده کروسترونل خوب است. یک چهارم فنجان مغز گردو، در حدود ۹۰/۸ درصد نیاز روزانه بدن به این چربی ضروری را تامین می‌کند.

گردو فواید زیادی دارد نظیر افزایش قابلیت ارتجاعی رگ‌های بدن، محافظت در برابر بیماری قلبی، افزایش قدرت ذهن و هوش، مفید برای تنفس، جلوگیری از ورم مفاصل، مفید در بیماری‌های پوست، نظیر: اگزما و پسوریازیس (به وجود آمدن لکه‌های قرمز رنگ در پوست)، ضد سرطان، دارای آنتی اکسیدان، محافظت از سیستم ایمنی، جلوگیری از لخته شدن خون، تنظیم سوخت و ساز بدن، تنظیم فشار خون، تنظیم قند خون، جلوگیری از پارکینسون و آلزایمر، حفاظت از استخوان، روغن گردو درمان کننده دردهای مفاصل است و جذب مواد غذایی را آسان می‌کند. (۵۸ ص) قابل ذکر است که مردمان این روستا همگی برای خود درخت گردو دارند. به تعداد دو یا سه خانوار هستند که درختان گردوبی بیشتری دارند و علاوه بر مصارف خود به فروش مازاد گردوبی خود جهت کسب درآمد می‌پردازند.

آیش: یعنی زمین را مدتی نکاشتن، و استراحت دادن به زمین تا نیروهای از دست رفته به علت کاشت مداوم، جبران گردد. به عبارت بهتر فرصت دادن به زمین و تجدید نیرو و قوا و ذخیره مواد در خاک، برای تولید بهتر در آینده معنی می‌دهد.

تبرستان
tabarestan.info

ب - دامداری (حَشْمَ داری):

شغل آبا و اجدادی (ستی و بومی) مردم منطقه و مردم آهنجگر کلا دامداری می‌باشد. به علت وجود مراع سرسیز و زیبا و نسبتاً وسیع و طبیعت بیلاقی این منطقه مستعد دامداری است. در قدیم دام به دو شکل، نگهداری در جنگل و یا نگهداری در منزل و به صورت بیلاق و قشلاق انجام می‌شد. این روند امروزه کمرنگ شده و به صورت صرفاً بیلاق و یا صرفاً قشلاق در آمده است. شیر، ماست، کره، سرشیر، دوغ، کشك، گوشت و پشم از محصولات اصلی دامداران است. در دامداری باید به دو نوع معمول آن، یعنی گوسفندداری (گوسفند و بز) و گاوداری (اصیل، دورگ و بومی) اشاره و به هر کدام توجه ویژه‌ای نمود. قابل ذکر است هر دامدار معمولاً برای بیلاق و قشلاق خود اسب، قاطر و یا الاغی برای جابجایی کالا برای خود نگهداری می‌کند.

گوسفندداری:

شغل بخش اعظم مردم آهنگر کلا دامداری (شامل گاوداری، گوسفندداری و بزداری) است. قابل ذکر است که برخی از مردم این روستا صرفاً به شغل دامداری مشغول هستند و برخی هم به دامداری و هم به کشاورزی تواماً مشغول هستند. تعداد گروه دوم بیشتر از گروه اول است^{www.tabatabstan.info} پاییز کا (پیز کا)، پاییز کا مار، دولی، دولی مار، وازا، وازا مار، سه نوع متفاوت از گوسفندان و برههای آنان را شامل می‌شود. پاییز کا مار در پاییز زیمان، دولی مار در اوایل زمستان، وازا مار در اواخر زمستان و یا اوایل بهار زیمان می‌کند. قصر، پیرمش، کاوی، نر شیشک و کانه نر، بُز، بُزکاته (بزغاله) و بُزکل (بُز نر قوی) واژه‌های پرکاربرد در شغل دامداری مازندرانی محسوب می‌گردد.

شیوا، شیوا قشکه، جلمه، سیا، سیا قشکه، وُوش، نشون، نشون قشکه، نشون کار، اسب، اسب کار، کَر، اسمای گوسفندان مازندرانی است که صاحبان مازندرانی آنان برایشان انتخاب می‌کنند. جالب است که انتخاب اسم این حیوانات روی حساب و کتاب، و از منطقی پیروی می‌کند که در بین دامداران رواج دارد، بطوری که صاحبان گاو و گوسفند اگر هر کدام صدراس و یا بیشتر دام داشته باشند، همه را به اسم آنان می‌شناسند.

در مورد مکانی که دامها در آن بسر می‌برند و در اصطلاح به، بُنه (زبان محلی بینه سر) معروف است. باید متذکر شویم که اسمای سرپناههای دیگر این حیوانات عبارت از: کِرس، که مخصوص برههای کوچک، و چفت که

مخصوص گوسفندان و بزهای بزرگتر است، می‌باشد. چُوکارد، وَرم کار، تُکو،
مُخدِباد، از واژه‌های رایج دامداران مازندرانی است.

گاوداری:

اکثر اهالی محل برای تامین مایحتاج لبْنی خود چند راس گاو در منزلشان نگهداری می‌کنند. یک طیف از مردمان این روستا صرفاً برای شیر و ماست خود چند گاو نگه می‌دارند که اغلب این طیف کشاورزان هستند. طیف دیگر، حرفه‌ی اصلی آنان گاوداری است و حدود ۲۰ تا ۳۰ راس برای خود گاو دارند. با نگهداری از آنان امورات اقتصادی خود را می‌گذرانند.

گُوك، ترسِکا، ماده گو، جُوندِکا، تِشك، الفاظ محلی مازندرانی پرکاربرد در گاوداری است. هر کدام از گاوها، اسم محلی مخصوص به خود دارند که صاحبان آنان برای دام خود انتخاب و آنان را با همان اسم‌های محلی مازندرانی که عبارتند از مارو، عاروس، سِل، بور، بورنار، کَچل، کَمر، سیناز و صدا می‌زنند.

پرورش مرغ(به زبان محلی کِرگ و چیندِکا):

در یک دسته بندی کلی مرغ را به سه دسته مرغ گوشتی، مرغ تخمگذار و مرغ بومی تقسیم می‌نمایند. که اگر شتر مرغ را اضافه کنیم چهارمین گروه مرغان خواهند بود. در روستای آهنگرکلا خانواده‌ها، مرغ را برای مصارف تخم مرغ خود و همچنین گوشت آن خصوصاً برای درست کردن خورشت فسنجان

برای سال نو و زمانی که مهمان برای آنها می‌آید، استفاده می‌کنند. مرغ‌های موجود در این روستا همان مرغ‌های بومی یا محلی و برای مصارف خانگی است و بندرت خانم‌های خانه دار برای تهیه وسایل مورد نیاز خود با فروش مرغ و تخم مرغ مازاد خود به دست فروشان، اقدام می‌کنند.

تَبَرْسَطَان

سُنَّتِ خَوب و رَايِج «واره» (به اصطلاح محلی شیرون) در بین دامداران: از استاد توسعه روستایی جناب آقای دکتر اسماعیل شهبازی ^{مشهور} این دامداران را سنتی تعاون- گونه در بین دامداران روستایی و عشاپری «هم واره» معرفی می‌کرد که به منظور تحويل نوبتی شیر تولیدی دام‌های خود به هر دامدار «صاحب واره» برای تهیه‌ی مواد لبنی در هر دوره‌ی شیردهی اقدام می‌نمودند. این سنت خوب شیرون در بین برخی از دامداران خصوصاً آنها می‌توانند را به تعداد کم دام داشتند رایج بود تا بتوانند به صورت دوره‌ای به تعداد دام و شیری که دارند با هم واره‌های خود مشارکت نمایند تا با حجم بیشتر شیر بتوانند به حوایج خود بپردازنند.

شبیه این سنت خوب در دامداری، سنت‌های دیگری هم در بین دامداران رایج است مثل اصلاح پشم گوسفندان، که به گوسفندتاشی معروف است. دامداران طبق این سنت با همکاری یکدیگر در اوایل بهار و اوایل پاییز پشم‌های گوسفندان خود را اصلاح می‌نمایند. قابل ذکر است که موی خیلی مرغوب گوسفندان در پشت آنها قرار دارد که دامداران آن را پشت کل می‌گویند و معمولاً برای تهیه تشک و لحاف خود از آن استفاده می‌کنند. در

روز گوسفند تاشی معمولاً دامداران قدیمی برهای ذبح می‌کنند و دل از غذای لذید در می‌آورند.

ج - صنایع دستی:

صنایع دستی از قدیم الایام به عنوان یکی از هنرهای اصیل و بومی در کنار سایر هنرها، در بین زنان و مردان روستایی رواج داشته است. این هنر جاودانه ایرانی، به صورت عرف و عادت از نسلی به نسل دیگر از پدران و مادران دیروز به پسران و دختران امروز به یادگار به ارث رسیده است. متاسفانه امروزه بنا به دلایل متفاوت صنایع دستی، رو به زوال است. ابزار بکار رفته در این صنعت در قدیم و در حال حاضر پشم و نخ بوده است.

صنایع دستی در استان مازندران از جمله: سفالگری، سرامیک سازی، صنعت چوب، کنده کاری چوب و معرق، محصولات حصیری، حاجیم، گلیم، چادر شب، حوله و شمدبافی، توربافی، قالی بافی، چرم‌سازی، معرق چرم و فلزکاری می‌باشد. (۹، ص ۱۲)

صنایع دستی روستای آهنگرکلا که جزء یکی از روستاهای استان مازندران محسوب می‌شود عبارتند از: چادر شب بافی (چادرشو)، گلیم بافی، حاجیم بافی، پارچه بافی، کت و شلوار پشمی (پشمتون)، پوست کلا، کلاه نخی، نسک، لحاف و متکای پشمی، دستکش بافی و جوراب بافی و قاشق چوبی (پلگیر) و تیلم (ابزار روغن کشی چوبی مازندرانی) از جمله صنایع دستی موجود در این روستا می‌باشد.

ابزار و امکانات بکار گرفته شده در برخی صنایع دستی عبارتند از: دار گلیم بافی و پارچه بافی، چاله، مکو، چر(چل)، شانه و... می باشد.

امروزه کشورهای مختلف جهان، خصوصاً کشورهای پیشرفته هر ساله با بر پایی نمایشگاه‌های بزرگ صنایع دستی و گردشگری روستایی، میلیاردها دلار

درآمد ارزی برای کشورشان کسب می نمایند.

امید است که جوانان این مرز و بوم از هنرهای اصیل ایرانی (صنایع دستی) که در واقع میراث فکری و فرهنگی نیاکان ما بوده، به خوبی حفظ و حراست نمایند و در جهت توسعه آن گام‌های بلندی بر دارند.

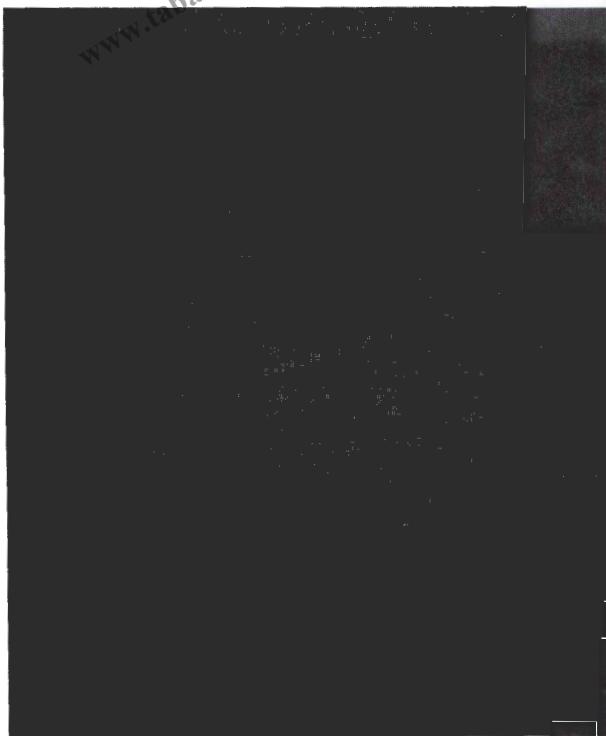
گیاهان دارویی: گونه‌های گیاهی دارویی مختلف و متنوع در منطقه و روستای مورد نظر وجود دارد که تعداد آن بالای چند صد گونه می‌رسد و دارای خواص دارویی بی‌نظیر هستند. ما در این نوشته صرفاً به ذکر سه نوع گیاه دارویی، گل گاو زبان، گیاه بنفسه و گیاه دم اسپی بسته می‌نماییم.

گل گاو زبان:(نام‌های دیگر آن رجل الحامه - لسان الشور - ساق الحمام - بوراش - اذان - دیم هاج - گازوو - گودار است) (۱۰، ص ۴۳۵) به دو صورت خودرو و کاشت توسط اهالی محل تکثیر یافته است. از قدیم الایام مردمان منطقه از آن برای مصارف داروئی، از جمله سرماخوردگی، درد سینه و باز کردن عروق از آن استفاده می‌نمودند. معمولاً این گیاه را اواسط شهریور می‌کارند، برداشت محصول در بهار و اوایل تیر انجام می‌گیرد.

خواص این گیاه، طبع آن گرم و خشک است دارای منزبیوم و پتاسیم، مقوی اعضاء ریسه و حواس، تصفیه خون، ملین، زیبایی، یرقان، سرماخوردگی، دل درد، سوء هاضمه، اعصاب، افسردگی، سرخک، تب، رماتیسم، شیمیایی شده‌ها، سرفه، جلوگیری از پیری زودرس، تپش قلب، ورم معده، سکته و ...

مورد استفاده می‌باشد. (همان، ص ۳۵)

تبرستان



عکس شماره ۷ مربوط به گل گاوزبان

گیاه بنفسه:

(نام‌های دیگر آن بنفسه معطر- بنفسنج - بنوسا - فرفیر - اثرون است). (همان، ص ۱۸۲) خواص این گیاه، طبع آن سرد و تر است عرق آور، خلط آور، خارش پلک، ورم رحم، قلب، فشار خون، زیبایی، سرطان رحم، بیوست، گلو درد، تقویت مو، بی خوابی، مسمومیت، سرخکه و سرخچه میگرن، سردرد و... کاربرد دارد. (همان، ص ۱۸۳-۱۸۲)

گیاه بنفسه معمولاً در اوخر زمستان و اوایل بهار به صورت خودرو در جنگلهای منطقه می‌روید. مردمان منطقه برای مصارف دارویی خود، خصوصاً بخار طب بر بودن این گیاه از آن استفاده می‌نمایند.



عکس شماره ۸ مربوط به گل بنفسه

گیاه دم اسپی: (در زبان محلی مازندرانی معروف به ترکمن ریش است) معمولاً در بهار و در جاهایی که زمین خیلی مرطوب است به صورت خودرو می‌روید. این گیاه در منطقه دستگ سر پشت آهنگر کلا رویش خوبی دارد. خاصیت این دارو در بهبود بخشیدن به امراض روماتیسمی است.



عکس شماره ۹ مربوط به گیاه دم اسپی

بطور خلاصه علاوه بر مصارف داخلی روستا، امروزه از هر سه گیاه گل گاو زبان، بنسه و دم اسبی، به عنوان محصولات ارگانیک، که بازار خوبی در ایران برای تهیه دارو دارد، استفاده تجاری می‌شود. مردم از طریق فروش آن به درآمد خوبی جهت رفاه خود، دست می‌یابند.

لازم به ذکر است که افراد ساکن در این روستا، زندگی آنان ارتباط تنگاتنگ با این اشتغال‌ها دارد. برای ارتقاء کیفیت زندگی مردم این روستا، پیشنهاد می‌شود. علاوه بر دانش و اندوخته‌های بومی خود، با هماهنگی‌های لازم با افراد نخبه و تحصیلکرده محیط اطراف خود با مهمترین تولیدکنندگان علم و فناوری کشاورزی در کشور آشنا شده و دوره‌های کارگاه آموزشی بیینند تا بتوانند برای رسیدن به توسعه روستای خود خدمت نمایند. شناخته شده‌ترین مراکز تولید دانش و فناوری کشاورزی در کشور عبارتند از:

۱. سازمان ترویج، آموزش و تحقیقات کشاورزی، بنا بر اطلاعات موجود در وب سایت سازمان تات هم اینک تعداد ۲۵ پژوهشکده، موسسه، مرکز و معاونت موسسه تحقیقاتی در این سازمان فعالیت دارند که در زمینه تولید فناوری کشاورزی در تمامی حوزه‌ها اعم زراعی، باغی، دام، جنگل و مرتع، گیاه پزشکی و آب و خاک و... فعال هستند. بعنوان یکی از قدیمی‌ترین مراکز تحقیقاتی سازمان تات می‌توان به موسسه اصلاح و تهیه نهال و بذر اشاره کرد که بصورت رسمی در سال ۱۳۸۸ تاسیس شده و در حال حاضر دارای ۵ بخش تحقیقات باغبانی، تحقیقات دانه‌های روغنی، تحقیقات غلات، تحقیقات

- ذرت و گیاهان علوفه‌ای و بخش سیب زمینی، پیاز و حبوبات و نیز بانک ژن گیاهی ملی ایران است.
۲. پژوهشکده کشاورزی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، پژوهشکده کشاورزی همزمان با سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران در سال ۱۳۵۹ تأسیس شد. این پژوهشکده تهلا موسسه پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که در جهت خدمت به نظام تحقیقاتی کشور در زمینه کشاورزی فعالیت دارد.
۳. شرکت توسعه کشت دانه‌های روغنی، با قدمتی بیش از ۴۰ سال را باید بزرگترین نهاد غیر دولتی فعال در زمینه هم تحقیقات کشاورزی و هم ترویج کشاورزی در کشور قلمداد کرد.
۴. سازمان انرژی اتمی ایران، در سال ۱۳۵۳ تأسیس شد.
۵. شرکت دخانیات ایران، در سال ۱۳۰۷ تشکیل و در ارتباط با کشت و استحصال توتون و تنباکو، تولید سیگار و توتون پیپ فعال است. و دارای چهار انسستیتوی تحقیقاتی در رشت، شیراز، ارومیه و تیرتاش استان مازندران است. (۱۱، ص ۵۸-۶۰)

فصل سوم: بررسی و شناخت منابع طبیعی و محیط‌زیست منطقه

جاذبه‌های طبیعی و چشم اندازهای دیدنی

حیاط وحش

چشممه‌ها

گونه‌های جنگلی آهنگر کلا

تبرستان
www.tabarestan.info

منابع طبیعی و محیط زیست

«در این دنیا هیچ کس نیست که به اندازه من ییلاق را
دوست بدارد، هر درخت به اندازه یک انسان برایم
عزیز و دوست داشتنی است» و در جای دیگر می‌گوید
«ای خدای توانا! من در جنگلها خوشبخت خوشبخت
در جنگلها، که در آن هر درختی به قدرت تو سخن
می‌گوید. خدایا این چه عظمتی است! اینجا در این
جنگلها و بر روی این تپه‌ها آرامش است، آرامشی که
بههون در آن باید به تو خدمت کرد.»

در فصل سوم به بررسی و شناخت منابع طبیعی و محیط پیرامون آن خصوصاً
محیط زیست پرداخته می‌شود. در قرن ۲۱ بدلیل آلودگی‌های زیست محیطی
و کم آبی، توجه به منابع طبیعی برای زندگی سالم ضرورتی انکارناپذیر است.
امید است با برنامه ریزی علمی و عقلانی و استفاده صحیح از منابع طبیعی
بتوانیم زندگی بهتری داشته باشیم.

جادبه‌های طبیعی و چشم اندازهای دیدنی:

این جاذبه‌ها شامل چشمه‌ها و رودخانه‌ها، کوه‌های بلند و سر به فلک کشیده، جنگل‌های زیبا و مزارع و دشت است. در این نوشته به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود.

حیات وحش:

بین پوشش گیاهی و حیات وحش یک رابطه انداموار وجود دارد. منطقه به علت جنگلی بودن دارای حیوانات وحشی متنوع، از جمله پلنگ، خرس، خوک، شغال، روباه، گرگ، مرال، شوکا و پرنده زیبا و بینظیر قرقاول است.

چشمه‌ها:

آب به عنوان مایع حیات انسانی است، یک عنصر در کنار عواملی مثل هوا و غذا برای انسان‌ها لازم و ضروری و زندگی ساز است. با توجه به مکان و زمان انسان‌ها برای تأمین آب مورد نیاز خود اقدام مناسب می‌نمودند.

بطور کلی ۴ شیوه آبیاری در ایران کهنه وجود داشته که عبارت از چاه‌ها و آب انبارها، قنات - نهرکشی - بندها و سدها بوده است. مهم‌ترین شیوه آبیاری در بسیاری از نقاط ایران قنات بوده است. به علت آنکه در بسیاری از نقاط ایران رودخانه چندانی وجود نداشت، حدود سه هزار سال پیش مردم ایران به ابتکار نوین و تحسین برانگیزی دست یافته‌اند که به قنات یا کاریز مشهور

گردید. این ابداع مهم بعدها به آفریقا، اسپانیا و سیسیل منتقال پیدا کرد. (۱۲، ۱۳۳-۱۳۴)

در استان مازندران چشمه‌های آب معدنی متعدد با خواص درمانی مختلف وجود دارد. آب این چشمه‌ها جزء داروهای اولیه‌ی بشر بوده است و کاربرد آن در مداوای بیماران قدمتی طولانی دارد. از جمله چشمه‌های آب‌های معدنی این استان آب اسک، آمولو، آب گرم لاریجان و سادات محله‌ی رامسر را می‌توان نام برد. قرمنرض و گوکشان در هزار جریب نکا از جمله است. (۹، ص ص ۱۹ و ۵۶)

در روستای آهنگرکلا آب به دو یا سه شیوه تامین می‌گردد که عبارت از چشمه‌ها، آبهای سطحی ناشی از بارندگی و آب رودخانه‌ها هستند.

برای مردم روستای آهنگرکلا آب علاوه بر مصرف شرب در بخش کشاورزی و دامداری خصوصاً دامداری مهم است. آب شرب مردم آهنگرکلا از دو چشمه به نام‌های هلی کلا و جرجیری تامین می‌شود و از طریق انتقال لوله به یک منبع زیرزمینی در چالنو و سپس تقسیم آن به بخش‌های مختلف آهنگرکلا انجام می‌گیرد. آب حمام این روستا از آب نقار چشمه تامین می‌گردد. آب مورد استفاده در دامداری و کشاورزی و باغداری از طریق رودخانه‌ها اطراف محل خصوصاً کال دره و چشمه‌های داخل مزارع و آبهای سطحی هنگام بارش باران تامین می‌گردد. در آهنگرکلا آب چاه یا قنات یا سد وجود ندارد. در مجموع روستای آهنگرکلا به نسبت روستاهای هم‌جوار کم آب بوده و در ایام تابستان حتی برای تأمین آب شرب ساکنین این روستا

مشکل وجود دارد. به عبارت دیگر در این ایام صرفاً در شب مردم آب دارند. حال با توجه به اهمیت آب در منطقه، به بررسی یکی از منابع آن که چشمه‌ها است می‌پردازیم.

برای معرفی بهتر چشمه‌های این روستا، سعی شد تا چشمه‌های مختلف در نقاط مختلف روستای آهنگرکلا به طور مجزا نشان داده و کاربرد آن مشخص گردد.

چشمه‌های داخل محل بقار چشمه، خانه ته و چشمه پشت خانه،
چشمه‌های قسمت شمال غربی سنگ پل، پشت‌لکاش و گت کاری،
قسمت جنوب غربی گوسیرا، مزممان نو،
چشمه‌های قسمت شرقی ٹوت دارباغی و قال قالی (مشترک با روستاهای هم‌جوار استفاده می‌شود)،

در قسمت غرب چشمه‌های فک پیش (پشت خانه‌های مسکونی)، انجلین، خورد لته، جرجری، هلیکلا، خوکالی (در زمین‌های ولو، ولی مشترک استفاده می‌شود) و بادوچال قابل رویت و استفاده هستند. آب معدنی چشمه‌ی بادوچال از قدیم‌الایام در مداوای بیماران کاربرد داشته است.

آب چشمه‌های جرجری و هلی کلا، لوله‌کشی شده و مردم از آن به عنوان آب شرب محل استفاده می‌نمایند. آب بقار چشمه لوله کشی شده به داخل حمام خزانه‌ای محل و از آب برای استحمام استفاده می‌شود. به علت گسترش روستا به سمت پشت خانه مردم محل با کمبود آب مواجه هستند. غالباً

توجه است که اهالی محل بجز پشت خانه، معتقدند که ساکنین جدید پشت خانه، حقابه (منظور حقوق طبیعی روستاییان برای استفاده از منابع آب قابل دسترسی در محدوده روستای مربوط برای مصارف مختلف خانگی، کشاورزی، دامداری و باقداری بر مبنای عرف و نسق رایج در آن روستا می‌باشد) ندارند و باید از جای دیگری غیر از آب چشمه‌های جرجری و هلی کلا برای خود آب تهیه نمایند. این در حالی است که: اولاً: آب مایه حیات انسانی است که توسط خداوند به بندگان خود ارزانی شده است و هیچ فرد انسانی حق ندارد که انسان‌ها را از حقوق خدادادی خود محروم نماید.

ثانیاً: ساکنین پشت خانه هم صاحبان و وراث آهنگر کلا هستند و ثالثاً: برخی از این افراد زحمات زیادی در انتقال آب از چشمه‌های جرجری و هلیکلا به محل مقبل شدند.

به نظر می‌رسد راه حل منطقی و عقلانی آن است که مردم آهنگر کلا با همفکری و عقلانیت و کمک به یکدیگر به فکر راه کار اساسی برای تهیه آب برای روستای خود باشند. کشاورزان در فصل کشاورزی برای آشامیدن آب در سر مزارع از آب چشمه‌های اطراف استفاده می‌نمایند. دامداران آهنگر کلایی با حفر گودال‌هایی در پایین دست چشمه‌ها (به زبان محلی مازندرانی اُخاره) از آب چشمه برای دام‌های خود استفاده می‌نمایند.



عکس شماره ۱۰ مربوط به چشمه سنگ پل گت کاری

گونه‌های جنگلی آهنگر کلا:

همانطور که می‌دانیم از پنبه به عنوان طلای سفید و از نفت به عنوان طلای سیاه یاد می‌شود. شاید بشود از جنگل‌ها به دلیل اهمیت زیست محیطی که برای اجتماع دارند، از واژه‌ی طلای سبز استفاده کرد. جنگل‌ها دارای فواید و کاربردهای زیاد در بخش کشاورزی، تولید فراورده‌های چوبی، نقش آن در گردشگری و جذب آن و مهمتر از همه در اشتغال و محیط زیست و پاکی هوا دارد.

آهنگر کلا به دلیل موقعیت مساعد آب و هوایی و قرار گرفتن در رشته کوه البرز، دارای جنگل‌های زیبای طبیعی است. این روستا از طرف غرب، شمال

غرب و جنوب غرب دارای جنگل های انبوه با گونه های مختلف از جمله، کجب (کَچَف)، ممرز، شمشاد، راش، بلوط، انجیلی، توسکا، صنوبر، بید، نمدار، آفرا، زیندار، ازدار (آزاد)، گردو، سیب جنگلی، الوجه، تیلکا (گلابی جنگلی)، ولیک، ازگیل جنگلی و زرشک پوشیده شده است.

در زمان های گذشته زندگی مردم ساکن در این روستا خصوصاً برای ساخت خانه های لارده ای خود و همچنین تهیه هیزم برای گرم کردن فناز و حمام خزانه ای، به جنگل وابسته بوده و این وابستگی هنوز ادامه دارد. مردم منطقه با کسب اجازه از اداره مربوط از چوب های برخی درختانی که افتاده بودند، استفاده می کردند و همچنین برای درست کردن غذا و تامین گرمای خود از سرشاره های این درختان استفاده می کردند.

در سال های اخیر اداره جنگل ها و مراتع به کاشت نهال های مختلف بومی و غیر بومی در اطراف این روستا و روستاهای همچوار اقدام نموده است. بیشتر کاشت گونه های افرا مورد توجه قرار گرفته است. شاید علت آن بومی بودن و مستعد رشد با این ناحیه باشد که مورد اقبال قرار گرفته است.

برخی مصارف و کاربرد چوب در روستا:

۱. خانه سازی، خصوصاً استفاده در سقف و درست کردن خرپایی چوبی؛
۲. ساخت درب و پنجره چوبی؛
۳. ساخت ساختمان های طولیه، بعد از سنگچین، کلاً بدن ساختمان و سقف از تخته هایی که از چوب تهیه می شود؛

۴. برای استفاده پایه ها، برای گرد کردن حیاط منازل و مزارع؛
۵. استفاده در صنایع دستی، تهیه فاشق چوبی و درست نمودن چر(چل)، لای (ظرف چوبی که نان در داخل آن قرار می دهند)، گره یا گاهواره و نون ساز؛
۶. درست نمودن تیلم (برای روغن کشی)؛
۷. درست نمودن حوزه های چوبی(نو) برای استفاده در چشممه ها، تا آب از داخل چشممه ها به داخل حوزه های چوبی وارد و ذخیره شود؛
۸. ساخت ساختمانی موقت در مزارع(عبارت محلی ساخت تلار)، تا محصولات کشاورزی را روی آن قرار دهند تا حیوانات وحشی و اهلی آن را نابود ننمایند؛
۹. نوعی سوخت آنان محسوب شده و منازل را با آن گرم می کنند؛
۱۰. ساخت گاوآهن چوبی (معروف به ازال)، در زمانی که زمین های کشاورزی را با گاو های نر شخم می نمودند؛
۱۱. ساخت کابینت.

علاوه بر موارد ذکر شده از چوب در موارد دیگری از جمله تهیه کاغذ، کاغذ روزنامه، کاغذ تحریر، کارتن، چوب پنبه، محصولات الیافی، محصولات شیمیایی، خمیر چوب، کاغذ دیواری، دستمال کاغذی، گل مصنوعی، آبازور، پیپ و چپق، مواد محترقه، بشقاب، چمدان، زغال، خاک اره، کندو، پلاستیک سازی، موم، مواد منفجره و ... استفاده می گردد.

فصل چهارم: بررسی آثار تاریخی، تمدنی و هنری منطقه

آثار تاریخی

حمام خزانه

آسیاب آبی

مراسم محلی روستای آهنگرکلا

تبرستان

www.tabarestan.info

بررسی آثار تاریخی، تمدنی و هنری

با توجه به تاثیر تاریخ و فرهنگ و هنر بر زندگی انسان‌ها، و نقشی که این عوامل در شکل‌دهی به ساختار شخصیتی انسان‌ها دارد، نگاهی کوتاه و گذرا در این باب خالی از لطف نخواهد بود.

آثار تاریخی:

پیشینه تاریخی هر قوم برای مردمان آن قوم ارزشمند و قابل توجه است. دلیل این توجه بیشتر چراغ راه آینده بودن تاریخ است. ما در این نوشته به دو اثر و نه همه آثار آهنگرکلا که در زندگی مردمان آن نقش حیاتی داشته، یکی حمام خزانه‌ای و دیگری آسیاب آبی، اشاره می‌نماییم.

حمام خزانه:

حمام خزانه‌ای آهنگر کلا از جمله مکان‌های با قدمت چند صد ساله این روستا می‌باشد. حدود ۶ نسل آن را به یاد دارند (اهالی محل می‌گویند زمان ملاباقر و کربلائی جبار هم این حمام بوده است) و به صورت زیرزمینی و از ساروج ساخته شده، و مردم محل هنوز از آن استفاده نمایند.

اهالی محل تا حدود ده سال پیش برای استفاده از حمام، مستقیماً وارد خزانه آب می‌شدند و این از لحاظ پزشکی بسیار خطرناک بوده است. حدود هفت سال پیش به بعد با احداث دو حوضچه در داخل حمام و انتقال آب خزانه به این حوضچه‌ها، از آب آن برای استحمام استفاده می‌کنند.

گرم کردن این حمام با هیزوم و از طریق خزانه انجام می‌گیرد. قابل ذکر است که بدنه و سازه اصلی حمام خزانه‌ای با ساروج درست شده و همچنان پابرجا می‌باشد. البته هر از چند گاهی اهالی روستا به مرمت آن اهتمام ورزیده‌اند.

آسیاب آبی:

دستگاه و وسیله‌ای سنتی برای آرد کردن گندم و جو بوده است. معمولاً هر دانه‌ای از جمله گندم و جو را زمانی که میان دو سنگ در آسیاب قرار گیرد، خورد نموده و به شکل آرد در می‌آورد. این کار با نیروی آب انجام می‌شد به همین دلیل به آسیاب آبی معروف است. تا دو دهه پیش مردم منطقه و این روستا برای تهیه آرد مصرفی خود از این وسیله استفاده می‌کردند. امروزه به دلیل آنکه مردم روستا دارای سهمیه آرد دولتی هستند، دیگر از آسیاب آبی

استفاده نمی‌کنند. ما شاهد متروک شدن این وسیله مفید سنتی در این روستا و روستاهای هم‌جوار هستیم. نکته جالب این است که همه روستاهای منطقه عشرستاق دارای آسیاب آبی نبودند، و برای آرد نمودن گندم و جو می‌بایستی به روستاهای هم‌جوار می‌رفتند معمولاً برای انتقال گندم و جو از محل خود به روستاهای دارای آسیاب آبی از اسب استفاده می‌کردندشاید بشود با برنامه ریزی و احیای دوباره این نمادها در جذب گردشگر به منطقه برای کسب درآمد بیشتر استفاده نمود.

مراسم محلی روستای آهنگرکلا:

مراسم محلی روستا را ما در سه بخش مراسم اجتماعی، مراسم کشاورزی و مراسم مذهبی تقسیم نمودیم. به برخی از این مراسم و نه همه‌ی آن اشاره‌ای گذرا می‌نمائیم.

لِنگ کاشتی:

بازی معروف در عروسی‌های محلی مازندرانی است، که مردم آهنگرکلا هم در مراسم عروسی خود از این بازی برای ابراز شادی بیشتر استفاده می‌برند. در مراسم عروسی دو جوان بصورت برعکس به طوری که سر آنان در یکجا و پاهای آنان در دو طرف مخالف هم باشد، قرار می‌گیرند. با شروع اعلان بازی توسط داور، دو طرف پاهای خود را بالا می‌آورند طوری که یکی موفق می‌شود با قلاب انداختن در پای دیگری کمر رقیب را بتباشد و او را از صحنه

خارج نماید. با این کار فردی که موفق شد رقیب را بتایاند، پیروز می‌شود و بازی به پایان می‌رسد.

کوتک بازی:

رسمی در عروسی‌های سنتی آهنگر کلا^{لایت} است. زمان عروسی جوانان چند دسته می‌شوند و دور همدیگر حلقه می‌زنند و یک‌نفر را با تافق خود به وسط حلقه می‌آورند. طناب پارچه‌ای و نخی دارند که افراد حدود ۱۰ ال ۱۵ نفری این طناب را پشت همدیگر دست به دست می‌کنند تا زمانی که فردی که وسط حلقه است متوجه نبود به پشت او بکوید، این روند ادامه می‌یابد تا فردی که در وسط است موفق شود این طناب را از یکی از افراد دور حلقه بگیرد. زمانی که این طناب را گرفت بازی تمام می‌شود و فردی که طناب را از دست داده، باید در وسط حلقه قرار گیرد. این کار ادامه می‌یابد تا زمانی که افراد بگویند بازی بس است.

شب‌نشینی یا به زبان محلی شونیشت:

اهالی آهنگر کلا به نوعی نسب یا فامیل همدیگر محسوب می‌شوند. مردم محل در ایامی که کار کمتری دارند، خصوصاً شب‌های زمستان به صورت گردشی به منزل همدیگر می‌روند و از احوال یکدیگر با خبر می‌شوند. در مورد مسائل مختلف روستا و زندگی با همدیگر گفتگو می‌کنند.

میزبان معمولاً غذاهای محلی برای شب نشینی زمستانه برای مهمان درست می‌کند و با همدیگر میل می‌کنند. خمیر تلا، که با دوشاب یا دشوى خرمalo و خمیر، پشت زیک، که از کنجد و شکر تهیه می‌شود، سمنو، دونه حلوا و آرد حلوا هم گاهی شب‌ها درست می‌کردند. معمولاً در زمستان بعنوان دسر در شب نشینی استفاده می‌نمودند.

تبرستان

این کنار هم جمع شدن و جویای احوال همدیگر شدن در شب را، شب‌نشینی می‌گویند. این شب‌نشینی‌ها، نقش کارگاه آموزشی برای اهالی روستا داشت. متاسفانه امروزه به علت مشغله‌های کاری کمتر شب‌نشینی انجام می‌گیرد و شاید بتوان گفت که این سنت حسنی رو به نابودی است.

عیددیدنی در روستای آهنگر کلا:

مردم آهنگر کلا همانند مردم ایران زمین عید نوروز و باستانی خود را جشن می‌گیرند و خانواده‌ها دور همدیگر در کنار سفره هفت سین جمع می‌شوند و به عبادت و شادی می‌پردازند. پس از تحويل سال که معمولاً از طریق شلیک گلوله یا صدای شیپور مشخص می‌شود، اهالی محل به صورت جمعی به خانه یکدیگر می‌روند و آرزوی سال خوب و خوش برای یکدیگر می‌نمایند. معمولاً در این دید و بازدیدها به کودکان و نوجوانان، همسایه‌ها خرما و تخمه مرغ پختخه عیدی می‌دهند.

کودکان در این روز، شادمان هستند و با تخم مرغ های بدست آمده، بازی تخم مرغ جنگی انجام می‌دهند. این بازی دو جانبه است و طرفی که در بازی

تخم مرغ او می‌شکند باز نده است و تخم مرغ شکسته خود را باید به طرف پیروز بدهد.

نگهبانی در شب یا به زبان محلی شوب:

شوب اصطلاحی است که در بین کشاورزان رواج دارد برای اینکه حیوانات وحشی از جمله خوک و گراز محصولات کشاورزی مردمان را نخورند و یا در زیر دست و پای خود نابود نکنند، کشاورزان فردی بنام میراشکار را با دادن حقوق به صورت نقدی یا با دادن قسمتی از محصول خود به وی، او را مأمور می‌کنند تا حافظ محصولات آنان باشد و شوب دهد یا شب زنده نگهداری کند، این اقدام محافظت از محصولات کشاورزی چه توسط تک تک افراد، یا به توسط میراشکار را شوب دادن گویند. قابل ذکر است که گاهی کشاورزان خودشان به تنها این وظیفه حراست از محصولات را در شب و روز انجام دهنند و به اصطلاح شوب می‌دهند.

مراسم افطاردهی در ماه مبارک رمضان:

سنت خوب و پسندیده در بین مردم آهنگر کلا، افطاردهی در ایام ماه مبارک رمضان است. این کار در اکثر موقع در مسجد و به صورت انفرادی انجام می‌گیرد. ناگفته نماند که برخی خانواده‌ها بصورت دو خانواده یا چند خانواده بصورت مشترک به افطاردهی اقدام می‌کنند. مشاهده شده بندرت برخی در خانه خود فامیل‌های نزدیک را دعوت و افطاردهی می‌نمایند. نکته قابل توجه آن است

که افرادی که آهنگر کلایی، ولی مقیم شهرهای دیگر هستند، در ماه مبارک رمضان سعی می‌کنند یک یا چند شب به آهنگر کلا بیایند و در آنجا افطاردهی نمایند.

مراسم محرم و اطعام دهی:

همه ساله مراسم باشکوهی با همکاری اهالی آهنگر کلا و آهنگر کلایی های مقیم شهرهای دیگر که در ایام محرم به آهنگر کلا سفر می‌کنند بی‌گزار می‌شود.

در ایام محرم، مراسم دسته روی از آهنگر کلا به روستاهای همچوار و از روستاهای همچوار به آهنگر کلا، انجام می‌گیرد. برخی از اهالی محل بصورت منفرد یا به صورت اشتراکی اطعام دهی می‌نمایند و برخی دیگر نذر دارند قربانی می‌کنند، و یاد و خاطر سرور و سالار شهیدان امام حسین شهید(ع) و یاران باو فایش را گرامی می‌دارند.

مراسم عید قربان:

مردم ساکن آهنگر کلا همانند همکیشان مسلمان خود به عید قربان توجه ویژه دارند. در این روز ضمنن یاد آوری نام خداوند و پیامبران، خصوصاً حضرت ابراهیم(ع) و حضرت اسماعیل(ع)، به درگاه خداوند دعا می‌نمایند و قربانی می‌کنند. و گوشت قربانی را بین اهالی و بستگان و مستمندان تقسیم می‌نمایند.

تبرستان

www.tabarestan.info

فصل پنجم: شناخت ویژگی های قومی، رفتاری و فرهنگی روستای آهنگر کلا

بررسی پیشینه تباری و قومی

بررسی جمعیت باساد

حجت الاسلام والمسلمین مرحوم آقا شیخ علیجان امامی

شادروان دکتر یحیی امامی پیشگام در مطالعات علم سنجی ایران

خصوصیات رفتاری و فرهنگی

زمینه ها و راهکارهای تحول فرهنگی مورد نیاز برای رسیدن به مشارکت کارآمد و

تسهیلگرایانه

تبرستان

www.tabarestan.info

شناخت ویژگی‌های قومی، رفتاری و فرهنگی روستای آهنگرکلا در فصل پنجم سعی خواهیم نمود تا به مسائل فرهنگی بیشتر پرداخته شود. شاید بتوان گفت که زیرساخت توسعه هر کشور خصوصاً توسعه روستایی توجه محوری به فرهنگ باشد. درست است که اقتصاد و سیاست در توسعه نقش بارزی دارند، اما به نظر نگارنده فرهنگ نقش مهمتری نسبت به اقتصاد و سیاست در توسعه یافته‌گی ایفا می‌نماید.

بررسی پیشینه تباری و قومی:

طبق تحقیقات میدانی نگارنده و مصاحبه با سالخوردگان قبیله، افراد بومی این روستا از منطقه نور و کجور مازندران به این منطقه سفر کردند. اهالی محل از علت مسافت و نقل مکان دائمی آنان به این مکان، مطلع نیستند. شهر تاریخی کجور از قدیمی‌ترین ایام، مرکز ناحیه رویان و سپس پایتخت رستمدار بوده است. کجور بخشی از شهرستان نوشهر است. (۱۳، ص ۵)

پیر مردهای آهنگر کلایی معتقدند ریشه ساکنین روستای آهنگر کلا، به آقا میرزا محمد می‌رسد. بطور خلاصه آهنگر کلایی‌ها از سه طایفه یا به قول بومی‌های آهنگر کلا، سه دسته به ظاهر متفاوت اما در ریشه متعدد، باقرا دسته، جبار دسته و استا محمد علی دسته تشکیل شدند، که نیای هر سه دسته به آقا میرزا محمد می‌رسد. بنا به نظر حاج حسین امامی از سیالخوردگان این محل (حدود ۹۵ سال)، مشخص می‌شود که هر سه دسته مذکور ۸ یا ۹ نسل پیش وصل به پدری بنام آقا میرزا محمد که از منطقه نور و کجور مازندران به این روستا نقل مکان کرده بود و در این منطقه ماندگار شد، هستند. قابل ذکر است که مطالب مربوط به این قسمت به نقل از اهالی محل بوده و اینجانب نسبت به تأیید یا عدم تأیید آن نظری ندارم. صرفاً به نقل آن بسده می‌نمایم. امیدوارم با راهنمایی‌های ارزنده خبرگان آهنگر کلا بتوانم نظر جامعی در این باره تهیه نمایم.

آقا میرزا محمد فرزندی بنام کربلایی آقا حسین داشت. ایشان دو فرزند بنام‌های جعفر قلی بیک و پیر آقا بزرگ داشته است. جعفر قلی بیک در دوران خود فرد قدرتمندی بوده و سربلوک محسوب می‌شد. بطور کلی اهالی منطقه از او حساب ویژه‌ای می‌برندند.

جعفر قلی بیک پسری دارد بنام آقا جبار.

آقا جبار دو فرزند پسر دارد، بنام‌های آقا میرزا جعفر و ملا باقر.

آقا میرزا جعفر هم ۲ پسر بنام‌های کربلایی جبار و رحمان به نظر اهالی محل داشت، که رحمان بنا به دلایلی از آهنگر کلا فرار می‌کند و نسل او دیگر

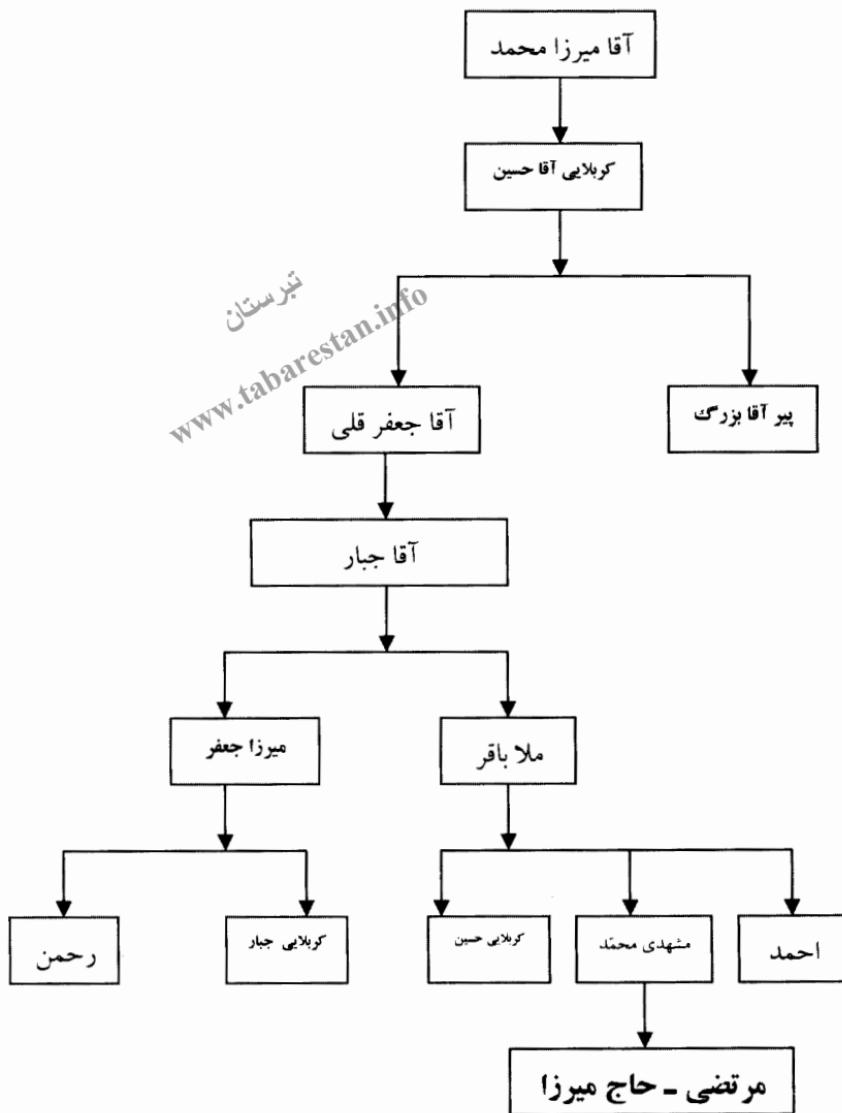
در آهنگر کلا نمانده و جالب است که اهالی محل و فامیل‌های او هم که به جبار دسته معروفند از وی اطلاعی ندارند. اطلاعات میدانی بدست آمده نشان می‌دهند که علت فرار او بیشتر نزاع بخاطر زمین با وراث خود بوده است. (متاسفانه این رسم غلط درگیری بخاطر زمین، هنوز بصورت فرهنگ غالب در این روستا مشاهده می‌شود و سالی نیست که بخاطر زمین درگیری در این روستا رخ ندهد).

ملا باقر علاوه بر فرزندان دختر سه فرزند پسر به نام‌های محمد، احمد و حسین دارد. در نسل جدید فرزندان و نسب کربلایی جبار معروف به جبار دسته و فرزندان و نسب ملا باقر به باقر دسته معروف هستند.

قابل ذکر است که این نوشه را شاید بتوان تاریخ شفاهی روستای آهنگر کلا دانست. چراکه محقق این اثر سعی نمود تا با شناسایی افراد سالخورده و اخذ گزارش از خاطرات آنان بتواند این اطلاعات را مکتوب و مستند نماید تا به تدریج تبدیل به منبعی مهم و مکتوب در شناخت ادبیات این روستا و توسعه آن باشد. دریافت اطلاعاتی که در سایر منابع مکتوب و متعارف تحقیق شاید یافته نشود. این منابع شفاهی می‌تواند، بصورت مکمل منابع مکتوب، ما را از تاریخ گذشتگان ما آشنا سازد. این بیت زیر اهمیت تاریخ شفاهی را بیان می‌کند:

«جهان یادگار است و ما رفتئی
به گیتی نماند، به جز گفتئی»
حکیم طوس

جدول شماره ۱: شجره نامه قومی اهالی



در تحقیق میدانی خود متوجه شدم که میرزا جعفر با دختری از روستای جوربند ازدواج کرد. قسمتی از زمین‌های آهنگرکلایی‌ها در روستای جوربند ارثیه بدست آمده از این ازدواج است. ملاباقر با دختر ملا اصغر لو جندا ایی ازدواج کرد. به علت آنکه ملا اصغر تنها فرزندش، دختری بنام کربلا ایی حیبه بوده که به ازدواج ملاباقر درآمده بود، زمین‌های ملا اصغر هم به کربلا ایی حیبه و فرزندانش رسید. کربلا ایی جبار با دختر ملا خان بابا ولوی بنام کربلا ایی آمنه که به گفته اکثر اهالی آهنگرکلا زن پاکدامن و مومنه‌ای بود ازدواج کرد. زمین‌هایی که جبار دسته در ولو دارند حاصل این ازدواج است. کربلا ایی آمنه در مسافرت به کربلا به رحمت ایزدی پیوست و در کربلا دفن است. ایشان را در این سفر فرزندش کربلا ایی حسن همراهی می‌نمود.

بطور خلاصه جعفرقلی بیک، نیای باقر دسته و جبار دسته است و پیر آقا بزرگ‌نیای استا محمدعلی دسته است. در این گزارش مربوط به تبارشناسی آهنگرکلایی‌ها، اسمای فرزندان ذکور آورده شد. دلیل آن هم این است که مردم منطقه از نظر فرهنگی بیشتر پسر دوست بوده و متاسفانه این رسم جاهلی هنوز هم تداوم دارد. در ضمن اطلاعات بدست آمده از اهالی محل بصورت میدانی صرفاً از فرزندان ذکور صحبت نموده‌اند. این مختصراً از تبارشناسی جمعیت روستای آهنگرکلا بوده است.

بررسی جمعیت باسوساد:

از شاخص‌های مهم توسعه‌یافته‌گی کشورها، می‌توان به منابع نیروی انسانی متخصص، باسوساد، کارآمد و نخبه اشاره نمود. به عبارتی اساس تغییر، تحول و توسعه هر جامعه به منابع انسانی متخصص و کارآمد وابسته است.

واژه «سوساد» به طور اختصاصی و به قرائمه‌تاول ^{www.tabarestan.info} محاورات عمومی، به مفهوم کسب توان و مهارت در خواندن و نوشتن زبان ملّی و مادری تلقی می‌گردد. در حالی که با مفهومی وسیع‌تر، سوساد عامل تعلیم و تعلم، و اساسی‌ترین اسباب لازم برای مبادله اطلاعات و کشف رموز خلقت و آگاهی و تفخیص در شگفتی‌های طبیعت، و نیز وسیله دستیابی به منابع اطلاعاتی و مجموعه‌های معلوماتی است. سوساد باب ورود و اشراف بر دنیای علوم و تکنولوژی‌هاست و سرانجام، سوساد زمینه ساز تعمیم و توسعه کاربرد ماحصل پژوهش‌های علمی و تکنولوژی در جریان واقعی تولید است. (۴۹۸، ص ۱۴)

روستای آهنگر کلا حدود ۳۰ نفر فرهیخته حوزوی و دانشگاهی از فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری دارد. که از این تعداد در رشته‌های مختلف از جمله پزشکی، روانپزشکی، علوم سیاسی، زبان انگلیسی، مدیریت، حقوق، جامعه‌شناسی، فلسفه، الهیات، کشاورزی، و ... تحصیل نموده و یا در حال تحصیل هستند.

از میان فرهیختگان حوزه‌ی دانشگاهی روستای آهنگر کلا، حجت‌الاسلام والملمین مرحوم آقا شیخ علیجان امامی و شادروان دکتر یحیی امامی سرآمد بوده، و جزو نخبگان فکری محسوب می‌شوند، بطور مختصر به شرح رندگی آنان می‌پردازیم.

تبرستان

حجت‌الاسلام والملمین مرحوم آقا شیخ علیجان امامی

آقا شیخ علیجان امامی از علماء و فضلاً عهد خود در عشرستاق بوده است. ایشان فرزند کربلایی جبار، و شاگرد حضرت آیت‌الله آقا شیخ محمد کوهستانی که از بزرگان و عالمان مشهور استان مازندران و معروف به پدر معنوی مردم مازندران بوده، می‌باشد.

حضرت آیت‌الله آقا شیخ محمد کوهستانی موسس حوزه علمیه «کوهستان» است و در عرصه عرفان و معنا به مراتب بسیار بالا رسیده بود. نوشه‌های او به حدی از سلوک دست یافته بود که چشم برزخی نصیش شده بود.^(۱۵، ص ۱۶) مرحوم آقا شیخ علیجان امامی از شاگردان بسیار باهوش آقاجان کوهستانی بودند. در سن جوانی حدود بیست و چند سالگی دار فانی دنیا را ودا نمودند و در قبرستان لوجنده دفن است.

حضرت آیت‌الله آقا شیخ محمد کوهستانی علاقه زیادی به آقا شیخ علیجان داشته، و همین علاقه به او بود که باعث شد آقاجان کوهستانی علارغم مشکلات راه بعلت کوهستانی بودن، برای ادائی تسلیت به خانواده

اما می و شخص کر بلائی جبار به آهنگر کلا سفر کند. نکته جالب و قابل توجه است که از بزرگان آهنگر کلا شنیدم که آقاجان کوهستانی رهنمودهای خود به اهالی آهنگر کلا در مورد احداث مسجد در مکان فعلی را ارائه نمودند.

به نظر نگارنده، در شایستگی شادروان دکتر امامی نابغه بی مانند، از این بیت معروف شاعر نامی ایران سعدی، می‌توان کمک گرفت که می‌گوید:

رنج بستهار باید پدر پیر فلک را
تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

شادروان دکتر یحیی امامی پیشگام در مطالعات علم سنجی ایران:

شادروان دکتر یحیی امامی دانشمند فرزانه و فرهیخته دیگر ایران زمین است که در روستای آهنگر کلا دیده به جهان گشود. او از نخبگان، نوابغ و نامداران روزگار خود (چهره ماندگار) در ایران زمین بوده، است. مرحوم شادروان دکتر یحیی امامی از پیشگامان مطالعات علم سنجی در ایران است. وی عضو برجسته رصدخانه ملی ایران بود.

دکتر امامی به معنی واقعی کلمه نخبه فکری و علمی جامعه‌ی ما بوده است. اگر این تعریف آقای پروفسور اسماعیل شهبازی از نخبه بودن را، که می‌گفت: «نخبگان در واقع، آمیزه‌ی از منابع و عوامل و استعدادهای موجود هر جامعه برای تولید و ترویج علوم و ابداع فناوری‌های نوین و مناسب جامعه‌ی بومی خود هستند و برآیند این آمیزه به هر صورت، متنه‌ی به توسعه می‌شود»،

را پذیریم، دکتر امامی واجد چنین خصوصیات بطور کامل بوده است. دکتر امامی انصافاً نخبه زبردست بوده است. او نخبه بومی با اندیشه‌های جهانی

بود که در حکم نیروی تبدیل کننده منابع بالقوه به منابع بالفعل بوده است. وی کم کم داشت شهره جهانی پیدا می نمود که تقدير الهی او را از میان ما بُرد. مرحوم شادروان دکتر یحیی امامی در سن کم خود(۳۸ سال) موفق به اخذ ۳ دکترا در رشته های پزشکی و روانپزشکی (با رتبه یک از دانشگاه شهید بهشتی)، و دکترای جامعه شناسی با گرایش پژوهی علم و فناوری از دانشگاه تهران شده بود و از محققین بنام مرکز سیاست های علمی کشور ایران بود و در کار پژوهش و آموزش و پیشبرد دانش و معرفت منتظر آثار ارجمندی شد. دکتر امامی یکی از مفاخر بهشهر و مازندران بود که برای جامعه شناسی علم و جامعه شناسی پزشکی در ایران مفید بود او بعداً به عنوان یکی از پایه گذاران علم سنجی در ایران شناخته شد.(۱۶، ص ۴) او توانسته با اخلاق اسلامی و معرفت دینی و علم روز پایه گذار علم سنجی در ایران باشد.(۱۷، ص ۲)

دکتر امامی در گروه علم سنجی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور(وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری) و از حدود یک سال و نیم قبل در گروه آینده اندیشی مرکز فعالیت داشت و از جمله محققانی بود که نخستین گزارش ها و بررسی های مستند را درباره تولیدات علمی کشور تهیه کردند. وی همچنین از اعضای کمیته راهبردی طرح پایلوت آینده نگاری فن آوری ایران در افق ۱۴۰۴ بود. (۱۸، ص ۹) با تلاش های او و همکاران اندکش بود که بحث رتبه علمی ایران در جهان، آمار تولیدات علمی کشور و رشد کمی و کیفی فزاینده آن مطرح شد. (۱۶، ص ۴) از دکتر امامی دهها کتاب و مقاله به یادگار مانده است، که برخی از آنان عبارتند از:

- ۱- کتاب سی سال تولید جهانی علم ایران (با دکتر شاپور اعتماد)،
- ۲- ترجمه کتاب پیدایش کلینیک، دیرینه شناسی و ادراک پزشکی، نوشته میشل فوکو،
- ۳- ترجمه کتاب علم علم و تأمل پذیری، نوشته پیر بوردیو،
- ۴- ترجمه کتاب نکات اساسی در روان درمانی، نوشته مایکل اوی،
- ۵- مقاله نقطه عطف در نظام آموزش عالی ایران (با دکتر شاپور اعتماد)،
- ۶- مقاله تکوین حوزه عمومی و گفت و گوی عقلانی (بررسی موردی چند گروه دانشجویی، (با دکتر تقی آزاد ارمکی).
- ۷- مقاله ساختار معرفت علمی در ایران،(با دکتر شاپور اعتماد)،
- ۸- مقاله جهانی شدن، مهاجرت و فقر در ایران، (با دکتر پویا علاء الدینی)، و

چندین گزارش از تولیدات علمی بین المللی ایران. (۱۸، ص ۹) درگذشت دکتر امامی را علاوه بر رسانه ملی، روزنامه های متفاوت از جمله همبستگی، اطلاعات و بشیر در تاریخ های مختلف درج نمودند.(اطلاعات ۵ شهریور ۸۶ ص ۱، همبستگی سه شنبه ۶ شهریور ۸۶ ص ۱ و ۳ شهریور ۸۶ ص ۹) چندین بار ماهواره هم پیام درگذشت دکتر امامی را پخش نمود.

شادروان دکتر امامی نابغه بی مانند و انسان خوب دوران خود بود، دارای روح و قلب بزرگ بود. او مظهر ایمان، آزادگی، استقلال، نظم، تحمل و بردازی، وطن دوستی، نوع دوستی، تخصص، کارآمدی، خلاقیت و الله پرستی، سختکوشی و تشنね علم بود. از بین ویژگی های بر شمرده شده شاید

چند خصلت او نمود بیشتری داشته که علم گرایی، خرد جمعی، استقلال فکری و انسانیت او، از آن جمله است و یقیناً برجسته‌ترین ویژگی او علمی بودن وی بوده است.

دکتر امامی در کنار وطن دوستی، جهانی و بین المللی فکر می‌کرد و به فکر همه انسان‌های جهان بدون نژاد و آیین خاص بود^۱ با توجه به اندیشه متعالی و روح والایی که داشت به فکر مسائل مهیالی و ننان نبود و همیشه علاقمند به علم محض و تحقیق در موضوعات جدید بود او به فکر اصلاح امور انسانی بود. حاصل کلام آنکه دکتر امامی مایه فخر و مباحث منطقه بطور اخص و کشور عزیز ایران بطور عام بوده است.

دکتر امامی نوه کربلایی جبار و فرزند حاج حسن امامی است. پیکر زنده یاد دکتر امامی در بهشت فاطمه(س) شهرستان بهشهر در اوایل شهریور ۱۳۸۶ آرام گرفت.

امید است که جوانان ایران زمین بطور اعم و جوانان مازندران بطور اخص بتوانند راه و منش این دانشمند فرزانه و فرهیخته را ادامه دهند.

خصوصیات رفتاری و فرهنگی:

حال به طور اختصار به ویژگی‌های فرهنگی مردم منطقه و به خصوصیات رفتاری روستایی آنان اشاره می‌نماییم. فرهنگ که بصورت ساده مجموعه دستاوردها، باورها، عقاید و رسوم مردم در امور مختلف زندگی است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد.

در یک نگاه سطحی می‌توان فرهنگ را به دو شکل سنتی و مدرن تقسیم‌بندی نمود. هر کدام دارای ویژگی خاص خود است. مثلاً قبیله گرایی و عشیره‌گرانی سازگاری بیشتر با فرهنگ سنتی دارد. نوخواهی، مشارکت و مدنیت به نوعی سازگار با فرهنگ مدرن و مدنی است. و یا می‌توان فرهنگ را به شکل فرهنگ اسلامی، فرهنگ ملی و فرهنگ بین‌المللی تقسیم نمود.

به هر حال بنظر می‌رسد شکل غالب فرهنگ مردم منطقه و این روستا همان‌طور که از نام آن پیدا است فرهنگ و رفتار روستایی است. آقای دکتر اسماعیل شهبازی پدر علم ترویج کشاورزی در ایران و از روستاشناسان صاحب‌نظر، در مورد رفتار روستایی‌ها، بطور کلی معتقد است که:

مهم‌ترین ویژگی رفتاری روستاییان و شهریان روستایی تبار ما همواره تحمل رنج و محنت و سپس هم ناگزیر، خاموشی و تعییت محض آنان از نصیب و قسمت خود بوده است: در دمندند، ولی دم بر نمی‌آورند. نیازمندند، ولی ابراز نمی‌کنند. صاحب‌نظرند ولی کورکورانه پیروی می‌کنند. محقق‌اند، ولی برای احراق حقوق مشروع و از دست رفته‌ی خود ساكت و بی‌حرکت می‌مانند. به کلامی دیگر کاسه‌ی صبر و دلی بزرگ دارند و این از بارزترین خصیصه‌های فرهنگی این قشر عظیم در جامعه‌ی بزرگ ماست.

هم ایشان می‌گوید به تجربه دیده‌ام که این قشر تابع، تا می‌توانند رنج‌ها و مشقت‌های به حق خود را در صندوق سینه حفظ و تحمل می‌نمایند تا آنجا که به حد اشیاع و در آستانه‌ی انفجار برسد. هنگامی هم که کاسه‌ی صبرشان لبریز شد و دل آن‌ها به درد آمد، فارغ از هر منطق و اصولی خود را به آب و

آتش می‌زنند، سر به نافرمانی بر می‌دارند و با خرрош و فریاد همه چیز را خراب می‌کنند و در نتیجه مع‌الأسف می‌بینیم که آن‌ها نه تنها کامیاب نمی‌شوند بلکه به مراتب، بر ناکامی‌ها، رنج‌ها، محرومیت‌ها و تبعیت‌های بی‌چون و چرای آن‌ها افزوده می‌شود، این درد اصلی «اکثریت خاموش»

جامعه بزرگ، یعنی روستاییان و شهریان [روستایی تبرستان](http://www.tabarestan.info) است. (۱۹، ص ۷۱)

برخی از خصوصیات بر شمرده مورد نظر آقای سهیاری در مورد روستاییان ایران را، تا حدودی روستاییان مورد مطالعه در خود جمع ^{نمودند}، خصوصاً اعتقاد آنان به نصیب و قسمت، نیازمندی و دردمندی، و تحمل رنج و سختی در زندگی خصوصی خود. همچنین اکثر مردم منطقه و نه همه‌ی آنها، تحمل و صبوری لازم در برخورد با مسائل، چالش‌ها و موانع پیش روی خود ندارند و برخی به خاطر زیاده خواهی‌ها، محرومیت‌ها و برخی هم از روی محقق بودن، هنگامی که کاسه‌ی صبرشان لبریز شد و به آمال خود نرسیدند دور از هر منطق و اصولی خود را به آب و آتش می‌زنند و همه چیز را خراب می‌کنند، این‌گونه ویژگی‌های رفتاری، نامناسب است که به همراه خود را ایی مناسبات آنان را با مشکل مواجه می‌نماید.

فرهنگ موجود منطقه بیشتر با فرهنگ سنتی و قبیله‌ای همخوانی دارد. نام سنت را آوردن به معنی عقب‌ماندگی نیست بلکه نکات مثبتی در سنت است، مثل صداقت و احترام به بزرگان که باید حفظ شود و خود موجب رونق و پیشرفت خواهد شد. مردم منطقه هنوز در مناسبات خود اعتقاد به دار و دسته دارند. مردمان این منطقه چند نسل به این طرف خصوصاً انسان‌های بین ۵۰ تا

۹۰ سال آنها معمولاً انسان‌های مهمان نواز، تلاشگر، زحمتکش و تولیدگر و مهمتر از همه با صداقت هستند، و نسبت به بزرگان قبایل احترام قائل هستند. در کنار این ویژگی‌های مثبت فرهنگی، باید نگاه نقادانه به مسئله فرهنگ داشت، تا راه را برای توسعه هر چه بیشتر فرهنگ گشود. با کمی هوشیاری متوجه می‌شویم که جوان‌های این روستا تا حدودی این خصلت‌های خوب در آنان کمرنگ شده است. و به علاوه بنا به [دلایل مختلف خصایص پر](http://www.tabarestan.info/) ادعایی، پرخاشگری، زیاده‌خواهی، طلبکار بودن دارند، با [جهین نگرشی](http://www.tabarestan.info/) نمی‌توان انتظار تحول و دگرگونی داشت.

نکته قابل توجه آن است که ادیان مختلف به صورت مشترک انسان‌ها را به برادری، محبت و تساهل و مدارا دعوت می‌کنند. از جمله در تعالیم بودا توجه به ترحم و پارسایی (به معنی اغماض و تساهل متقابل) می‌گردد.^(۲۰) ص ۱۱۸-۱۱۳) کنفیوس هم که فرزند یک سردار چینی است، می‌گوید با مردم مهربان به مهربانی رفتار کنید و به مردم آموخت که حتی کلبه دهقانان را چون قصر پادشاهان بدانند. (همان منبع، ص ۳۳۷-۳۳۱) حتی خصایص اولیه مهرپرستی در ایران باستان درستی و راستی روح برادری و برابری و حسن سیرت را ترویج می‌کند.^(۲۱) ص ۱۹۹) خوشبختانه آیین زرتشتی که آیین ایرانیان باستان بوده، علاوه بر یکتاپرستی، شعارش پنداش و گفتار و کردار نیک بود (۲۰، ص ۲۲۶-۲۲۵) و ادیان دیگر... هم همین‌طور. جالب است که ما مسلمان هستیم و دین کاملی داریم، رفتار و کردار ما باید الگو باشد و در درستی و صداقت و انسانیت و تساهل و صمیمیت باید سرآمد باشیم.

مردم منطقه باید رفتار و منش و خلقيات مثبت بزرگان خود را چراغ راه قرار دهند. مردم منطقه کم تدبیر اما باهوش هستند. معمولاً همديگر را قبول ندارند، برای کوچک‌ترین اشتباهات طرف مقابل، سخت‌ترین عکس العمل ها را از خود بروز می‌دهند. دچار نوعی سردرگمی و روزمرگی هستند.

بطور خلاصه اکثر مردمان منطقه و نه همه آنها، هرای خصلت‌های چون جوان‌گریزی و سرمایه‌گریزی، جوپذیری و عدم توجه به فرهنگ تساهل و مدارا هستند. به هر حال پیشرفت منطقه، نیازمند نوعی فرهنگ عقلانیت و قاعده‌مندی، فرهنگ مشارکتی، فرهنگ مدنی و فرهنگ تساهل و مدارا است. نیازمند انسان‌های میانه‌رو، که اعتقاد به سازگاری و مصالحه داشته باشد، کم‌ادعا، پرکار، روحیه مهربان، و نسبت به همنوعان خود احترام بگذارند. و در یک کلام از تلفیق نکات مثبت در فرهنگ و اندیشه‌های سنتی و مدرن جهت آبادانی، روستای خود بهره گیرند.

زمینه‌ها و راهکارهای تحول فرهنگی مورد نیاز برای رسیدن به مشارکت کارآمد و تسهیل گرایانه:

تجربه جهانی نشان می‌دهد که هر گونه تحول و دگرگونی در جامعه نیازمند و مبتنی بر پیدایش تحولات فرهنگی در منابع انسانی فرض اساسی است. بعارت دیگر زیرساخت اساسی تحول و دگرگونی، فرهنگ پویا و کارآمد است. مشارکت کارآمد و تسهیل گرایانه به عنوان چرخ دنده تحول و توسعه یافتنگی

در دنیای مردم سالارانه امروز برای تقویت شدن و پایداری، نیازمند زمینه سازی اساسی است که عبارتند از:

■ آموزش مستمر بین مشارکت‌کنندگان به عنوان یک اصل که در آن یادگیری و یاد دهنی دو جانبه برای طرفین در حکم فرض اساسی است. به عبارت دیگر اعضای گروه هم خودشان به دیگران یاد می‌دهند و هم از آنان یاد می‌گیرند. نشستن، پرسیدن و گوش فرادادن به سخنان به همتان اندازه که یک نگرش است یک روش نیز محسوب می‌گردد. نشستن به معنی عدم تعجب، صبر و حوصله و فروتنی است. پرسش دلالت بر این معناست که مصلح توسعه به مثابه یک دانشجوست و گوش فرا دادن به معنای احترام گذاشتن و یادگیری است (۲۱، چمبرز، ۱۳۷۶: ۲۵۴).

■ پذیرش ذهنی مشارکت‌کنندگان مبنی بر تاثیرگزاری افکارشان بر نحوه اتخاذ تصمیمات در امور مربوط به حوزه هدف.

■ اعتقاد متقابل به عنوان یکی از عوامل شکل‌گیری، حفظ و تداوم مشارکت در امور مشترک.

■ وجود شخصیت اجتماعی تحول یافته و بهنجار، از محورهای اصلی در تحول و رسیدن به مشارکت تسهیلگرانه و توسعه می‌باشد. عبارت دیگر باید به انسان‌ها به عنوان مهمترین سرمایه یک کشور نگریسته شود، خصوصاً به انسان‌های با شخصیت و قدرشناس که از لحاظ روانی و شخصیتی به هم‌دیگر احترام بگذارند، انتقاد پذیر باشند، خود را عقل کل ندانند، انسان‌ها میانه رویی، اعتقاد به نفس بالا، سخت‌کوش، خوش‌بین و در نهایت آنکه احساس مفید

بودن کنند. با چنین تحول شخصیتی می‌توان به آینده توسعه یافته‌گی کشورها امیدوار بود.

■ انتقادپذیری در تمام سطوح به درجه اعلاء برست. انتقادپذیری موجب می‌شود که انسانهای مخالف عقاید خود را دشمن نپنداشیم، و بتوانیم از راههای بدیل در تصمیم سازی استفاده نماییم، که این نگاه موجب ترقی خواهد بود.

■ همچنین باید به عقل جمعی و مصلحت عمومی اعتبار بخشید. تجربه کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که باید از تلفیقی از مصلحت فردی و مصلحت عمومی و جمعی برای پیشرفت جامعه استفاده نمود. با بهبود مصلحت فردی و تکیه بر فردگرایی، عقلگرایی، محاسبه و بهینه‌سازی و اصلاح‌نگری جنبه فردی، می‌توان با عمومیت آن در سطح جمعی و جامعه موجبات پیشرفت جامعه را فراهم آورد.

■ از لوازم اساسی رسیدن به مشارکت تسهیل‌گرانه تقویت عقل ارتباطی و فرهنگی است. عقل ارتباطی و فرهنگی موجب بسط نگرش تساهل و مدار و تقویت اعتماد متقابل، وابستگی متقابل، همگرایی و در نهایت موجب گره گشایی مسائل انسانی و زمینه‌ساز توسعه می‌گردد.

■ و نکته آخر اینکه زمینه دیگر مشارکت کارآمد و تسهیل‌گرایانه توجه به فرهنگ علمی و پژوهشی و جایگزینی آن با فرهنگ آرمانی و تخیلی است. توجه به فرهنگ علمی در قرن ۱۵ موجب پیشرفت غرب گردیده است. فرهنگ علمی انسان را قادر به پیش‌بینی و استنباط صحیح می‌کند. فرهنگ علمی انسان را متوجه عینیات و نه ذهینیات می‌کند و انسان را به نسبیت سوق

می دهد و نسبیت جایگزین قطعیت و حتمیت می شود. فرهنگ علمی انسان را قادر می سازد که با تساهل و مدارا با همنوعان ارتباط داشته باشد و خلاصه آنکه فرهنگ علمی انسان را قادر می سازد مسائل را در غالب سیستمی و کلان تاریخی ببینند. فرهنگ تخیلی نگرش فلسفی و غیر دنیوی را در انسان تقویت می کند و انسان را ذهنی و سلیقه‌ای بار می آورد. برای پرسنل ^{پرسنل} www.tabarestan.info کامنهاد که فرهنگ علمی و نظر باید از لحاظ فرهنگی و اجتماعی به سویی پرسنل ^{پرسنل} www.tabarestan.info پرورشی جایگزین فرهنگ کترلی و تخیلی گردد. (۲۲، ص ۴۷-۴۸)

تبرستان

www.tabarestan.info

نتیجه گیری:

پیشینه تاریخی مردم ساکن در روستای آهنگرکلا دقیقاً مشخص نیست. سالخوردگان روستا معتقدند که ۸ یا ۹ نسل پیش از منطقه نور و کجور مازندران به اینجا کوچ کردند و شغل آنها هم دامداری بوده است. پیرمردها معتقدند که ریشه آهنگرکلایی‌های فعلی به آقا میرزا محمد می‌رسد. معیشت مردم این روستا اغلب کشاورزی و دامداری است. این روستا همانند ۶۰ هزار روستای دیگر ایران مشکلاتی دارد که جا دارد مردم منطقه با وسعت دید بتوانند مسائل و مشکلات خویش را با کمک هم حل نمایند. مردم با هم دلی و مشارکت و صمیمت با تدوین برنامه‌های اصولی با کمک جوانان تحصیلکرده و با کمک دانش بومی باید راه کارهای مناسب و عقلاتی برای بروز رفت از مشکلات ارائه نمایند. در این میان عامل اساسی که می‌تواند گره‌گشا و کارساز باشد، به نظر بنده تحول در همه‌ی جنبه‌ها خصوصاً در زمینه فرهنگ اهمیت دوچندان دارد.

پیشرفت منطقه، نیازمند نوعی فرهنگ عقلانیت و قاعده‌مندی، فرهنگ مشارکتی، فرهنگ مدنی و فرهنگ تساهل و مدارا است. نیازمند انسان‌های میانه‌رو که اعتقاد به سازگاری و مصالحه داشته باشد، کم‌ادعا، پرکار، روحیه مهربان، و نسبت به همنوعان خود احترام بگذارند. و در یک کلام از تلفیق نکات مثبت در فرهنگ و اندیشه‌های سنتی و مدرن^{۲۷} جهت آبادانی، روستای خود بهره گیرند.

معانی برخی واژه‌های مربوط به موضوع: محلی مازندرانی - فارسی

روستا	واژه روستا همه جا به معنی زمین مزروع و مسکونی خارج از شهر آمده، اصطلاح دهات، رساق یا رستاق، بلوک، منظومه، سواد و منطقه واژه هایی هستند. ^{که هم معنا با روستا هستند.}
ده روستا	عشر رستاق
هم سامون	زمین های هم مرز - همچوار
آیش	یعنی زمین را مدتی نکاشتن، و استراحت دادن به زمین تا نیروهای از دست رفته به علت کاشت مداوم، جبران گردد و به عبارت بهتر فرصت دادن به زمین و تجدید نیرو و قوا و ذخیره مواد در خاک، برای تولید بهتر در آینده معنی می‌دهد.
شُوب	به محافظت از محصولات کشاورزی و باغی در برابر حیوانات و جانوران خصوصاً در شب اطلاق می‌گردد.
حقابه	منظور حقوق طبیعی روستاییان برای استفاده از منابع آب قابل دسترسی در محدوده‌ی روستای مربوط برای مصارف مختلف خانگی، کشاورزی، دامداری و باくだاری بر مبنای عرف و نسق رایج در آن روستا می‌باشد.
شیرون(واره)	ستنی تعاؤن - گونه در بین دامداران روستایی و عشايری «هم واره» به منظور تحويل نوبتی شیر تولیدی دامهای خود به هر دامدار «صاحب واره» برای تهیه مواد لبنی در هر

دوره‌ی شیردهی معین، اطلاق می‌گردد.	
خانه‌ای که سقف آن به جای اینکه از ایرانیست یا حلب پوشیده باشد، به وسیله‌ی گنف پوشیده شده باشد، گویند.	کنف به سر
به ساخت سقف خانه با هفتالح بومی گویند.	گوم سر
به مکانی گفته می‌شود که اکثر موقع آفتاب به آن می‌تابد. به عبارت دیگر آنجا گرم است.	تاور
گذرگاه و محل عبور	گازر
به دسته‌های گندمی که روی یکدیگر گذاشته می‌شود، تا راحت‌تر به خرمن منتقل گردد، گویند.	کوله
مکانی است که با سنگ یا گل درست می‌کنند تا قابل‌نمایی روی آن قرار گیرد، به طوری که زیر آن خالی تا در آن آتش چوبی درست نمایند و غذا درست کنند، گویند. به عبارت دیگر کلیه همان اجاق محلی برای پخت است.	کلیه
به رودخانه بسیار کوچک گفته می‌شود که آبهای سطحی به داخل آن هدایت شده و به رودخانه‌های بزرگتر می‌پیوندند.	کل

به زمینی که چند سال شخم زده نشده و کاشت نگردیده اطلاق می‌گردد.	کاله پخارده
ظرف آب فلزی	کِلا
ظرف فلزی که برای دوشیدن شیر گاو از آن استفاده می‌شد.	گادوش
ظرف فلزی که از کِلا کوچکتر است و برای دوشیدن شیر گوسفند از آن استفاده می‌شد.	قِراچه
به چوپانی که کم سن و سال است و تجربه کافی در دامداری ندارد و در حال آموزش برای یادگیری امر چوپانی است اطلاق می‌گردد.	نکو
چوپانی که از خود هیچ گوسفندی ندارد، و در قبال کار چوپانی از کارفرما مزد دریافت می‌کند.	چوکارد
به فردی اطلاق می‌شود که معیشت او از خرید و فروش دام تامین می‌گردد.	چوبدار
به نماینده کل چوپانان یک بنه سر اطلاق می‌گردد و به عبارتی سر چوپان و فرمانده آنها است.	مُختیاد
درب ساخته شده با سرشارخه درختان برای استفاده در دامداری‌ها.	چَپری
درب یا دروازه ساخته شده با چوب و تخته.	لوش
به محل و جایگاه واقع شدن دامداری در یک جای مشخص اطلاق می‌گردد.	بنه سر

دولی مار	به گوسفندانی که در اوایل زمستان برَه می‌آورند اطلاق می‌گردد.
وازمار	به گوسفندانی که در اواخر زمستان و یا اوایل بهار برَه می‌آورند اطلاق می‌گردد.
پیزمار	به گوسفندانی که در اواخِم شهریور ^{بُو} یا در فصل پاییز برَه می‌آورند اطلاق می‌گردد.
پیز	فصل پاییز
مار	به معنی مادر
تاشی	به معنی اصلاح است مثل اصلاح گوسفند که به گوسفند تاشی معروف است.
همیند	به جای مسطح اطلاق می‌گردد.
کِرس	سرپناه مخصوص برَه‌های کوچک می‌باشد.
چفت	سرپناه مخصوص گوسفندان و بزهای بزرگتر است.
قارق	به دلیل کمبود مراعع و جلوگیری از حیف و میل علوفه توسط احشام، چوپانان مراعع را به تعداد دام تقسیم و در هر روز مقداری علوفه تازه به احشام می‌دهند این عمل تقسیم علوفه در مراعع را قارق گویند.
وزِم کار	به چوپانی می‌گویند که تعداد دام او زیاد است و در جایی که کار می‌کند هم باید بدون مzd برای کارفرما چوپانی کند، و هم مبلغی پول جهت تهیه علوفه گوسفندان خود به کارفرمای خود، به توافق طرفین پرداخت نماید.

که	زنگ قهوه‌ای
اسب	رنگ سفید
خر	هم به معنی ناشنوا است هم به گوسفندانی اطلاق می‌شود که گوش بسیار کوچکی دارند.
که	رنگ آبی
ونوش	رنگ بنفش
ورگ دل	کنایه از سنگ دلی است.
نرگو (مرال)	منظور همان گوزن است.
قصیر	گوسفندی که بره دار نمی‌تواند بشود.
ورگ	گرگ
کرگ	مرغ خانگی
بزکاته	بزغاله
آخره	گودال آب، که حیوانات از آب آن استفاده می‌کنند.
آخر	محل ساخته شده با چوب و سرشاخه درختان یا ساخته شده با آجر و سنگ و سیمان، برای غذا خوردن اسب و قاطر و گاو است.
دُو	دوغ
چیندکا	جوچه
جوندکا	گاو نر قوی که سه یا چهار سال عمر دارد.
تیشك	گاو نر یک ساله

پشمیتون	پارچه بافته شده پشمی است.
چادر شو	چادر شب
دُوزم	گودال عمیق آب
همباز	به دو نفر شریک در یک کار بخصوص، خواه دامداری، خواه کشاورزی... اطلاق می‌گردد.
چاشت	غذایی که در بعداز ظهر صرف شود.
بنجم	حرکت، تلاش، جنبیدن
کوتک بازی	بازی به وسیله پارچه گره خورده در عروسی است.
تیرپیش	ترش رویی و گستاخی
سیرپستین	حرف بیهوده و بسیار بر زبان جاری شدن، بتحوی که شنونده را آزرده نماید.
کُل	زمین هایی که تپه مانند است و برای بالا رفتن از آن به دلیل شیب نسبتاً تند و رو به بالا، انسان به سختی می‌افتد.
نیسم	جایی که کمتر آفتاب به آن می‌رسد.
تَسک	به معنی کوتاه است مثل دیوار کوتاه.
کاتا	به معنی کوتاه و کوچک بودن است.
دِدا و بِرار	خواهر و برادر
پُر	طرف مقابل رودخانه را پُر گویند.

منابع و مأخذ

۱. تاج بخش، حسن، ۱۳۷۹، تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، جلد اول، ایران باستان، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. مطیعی، منوچهر، ۱۳۸۴، تائیس، چاپ سوم، تهران، نشر سمتی
۳. جمعی از نویسندها، ۱۳۷۸، اطلس تاریخ ایران، چاپ اول، انتشارات سازمان نقشه‌برداری کشور.
۴. حسینی ابری، سید حسن، ۱۳۸۳، مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه اصفهان.
۵. سعیدی، عباس، ۱۳۷۹، مبانی جغرافیای روستایی، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
۶. حیصمنی، زینب، ۱۳۸۷، بررسی و ارزیابی منظر روستایی، پایان نامه کارشناسی آبادانی روستاهای دانشگاه شهید بهشتی.
۷. سعیدی، قدرت‌الله و دیگران، «مجله علوم کشاورزی ایران، مجله علمی - پژوهشی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، بررسی تنوع ژنتیکی و برآورد و راثت پذیری برخی صفات کمی در لاین‌های دابل هاپلوتید گندم»، جلد ۱-۳۷، شماره ۲، سال ۱۳۸۵.
۸. روزنامه جام جم، ۱۸/۴/۸۸ ص ۵

۹. بی‌نا، جغرافیای استان مازندران، بی‌نا.
۱۰. نعیمی، محمد حسین، ۱۳۸۲، خواص خوردنی‌های شفابخش، چاپ دوم، نشر نسل نو اندیش، تهران.
۱۱. نوزری، عباس، «ضرورت ساماندهی به نظام دانش و اطلاعات کشاورزی در ایران» فصل‌نامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال پنجم، شماره بیستم، تابستان ۱۳۸۷.
۱۲. طباطبائی، سید هادی، ۱۳۸۷، بررسی سازه‌های ذخیره‌آب در روستای کلستان، پایان‌نامه کارشناسی آبادانی روستاهای، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. روزنامه بشیر، شماره ۲۸۸۱، ۲۴ تیر ۸۷ ص ۵.
۱۴. شهبازی، اسماعیل، ۱۳۷۵، توسعه و ترویج روستائی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. روزنامه جام جم، ۱۴/۲۴، ۸۵/۱۶ ص ۱۶.
۱۶. روزنامه بشیر، ۳۱/۵، ۸۷/۴ ص ۴.
۱۷. روزنامه بشیر، ۵/۷، ۸۷/۲ ص ۲.
۱۸. روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۵/۷، ۸۶/۹ ص ۹.
۱۹. شهبازی، اسماعیل، ۱۳۸۱، روستازادگان دانشمند، چاپ اول، انتشارات موسسه فرهنگی و هنری شقایق روستا.
۲۰. توماس، هنری، ۱۳۷۹، بزرگان فلسفه، ترجمه فریدون بدراهی، چاپ سوم، انتشارات علمی فرهنگی.

۲۱. چمیرز، رابرت (۱۳۷۶) توسعه روستایی اولویت بخشی به فقرا (حمایت از اقشار آسیب پذیر)، ترجمه مصطفی از کیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. امامی، قاسم، «تحول از مشارکت منفعلانه به مشارکت کارآمد و تسهیلگرایانه: تاملی نظری» ارائه در همایش مهندسی فرهنگی و اندیشه‌های نو، با همکاری دانشگاه شهید بهشتی و ادارات شهرستان سوانحکوه، زمستان ۱۳۸۷.

AN INTRODUCTION TO THE VILLAGE
OF AHANGAR-KOLA, OF THE ASH-ROSTAGH
COUNTY OF THE BEHSHAHR CITY

رسانی

www.tabarestan.info



قیمت: ۳۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-100-091-1